

آثار عتیقه کونتل خیرخانه

کابل

تالیف : پروفسر هاکن

عضو هیئت عتیقه شناسی فراسه در افغانستان

ترجمه : سید قاسم جان رندها

مدیر نشریات نسقو توله (انجمن ادبی)

از مدیریت نشریات انجمن ادبی نشر شد

کابل

۱۳۱۶

« مطبعه عمومی »

Recherches Archéologiques
au Col de Khair khaneh
près de Kâbul
Fouilles J. Carl et J. Hackin

PAR

J. HACKIN

Conservateur du Musée Guimet

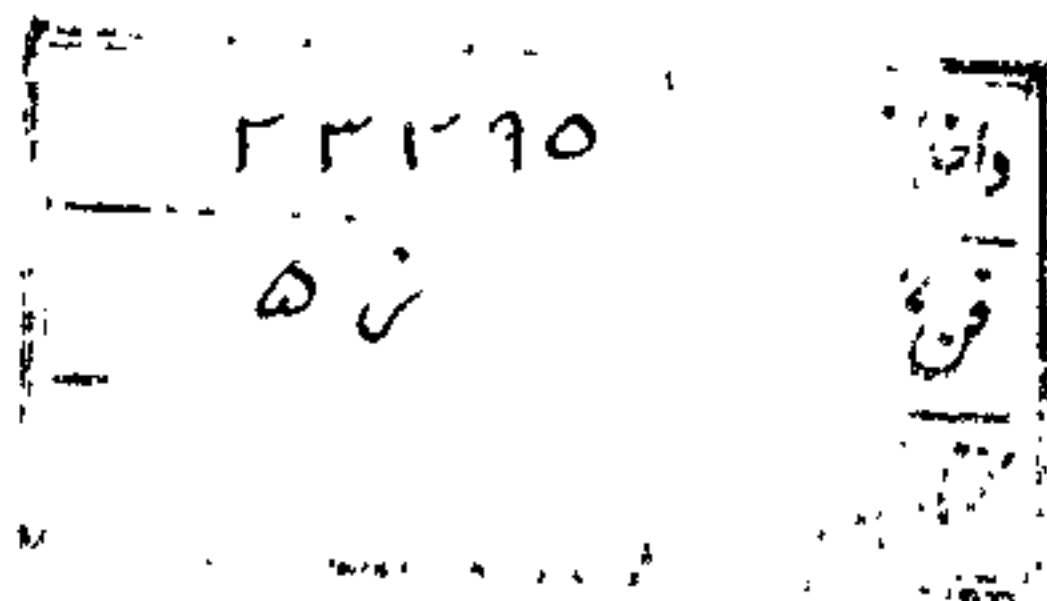
Professeur à l'École du Louvre

Membre de la Délégation archéologique française en Afghanistan

Traducteur:

S. KASSEM RESHTIA

Directeur de la section de la presse et des publications
à l'Académie Afghane.



فهرست منابع

صفحه	
	۱ - مضامین :
الف	تقریظ انجمن
ج	مقدمه مترجم
۱	فصل اول
۱۷	دوم
۲۲	سوم
۴۷	چهارم
	۲ - تصاویر (تصاویر و اشکال داخل متن در فهرست گرفته شده) :
۱	نقشه حوالی شهر کابل
۸	عمومی خرابه های کوتل خیر خانه
۹	آثار کوتل خیر خانه بصورت مکمل
۲۰	رب النوع آفتاب
۲۱	۶۴ مجسمه سوری رب النوع آفتاب
۳۲	(انعام دهنده (سنگ مرمر)
۳۳	۲۲ - ب تکه های چراغ تیلی و ظروف سفالی
۴۳	۳۱ رب النوع آفتاب (از سنگ آبی)
۴۸	۳۲ - تکه از هاله رب النوع (مرمر)
۵۰	۳۳ - تکه يك سنگ سلیت منقوش

کتاب

آثار عتیقه کوتل خیر خانه

کابل

خاک پاک وطن عزیز که امروز مزین آثار و وسایل تمدن عصری و سالمان قبل هم تحلیل و زیبایی تمدن اسلامی داشته و آثار گران بهای آن که تا هنوز در دست و برای اثبات عظمت و ترقیات چند قرن قبل افغانستان همه شواهد معلوم و محسوسی بشمار میروند، همچنان این خاک قدیم و تاریخی این افتخارات را بطور توارث دارا بوده و صفحات تاریخ از ادوار مختلفه خوشبختی و عظمت و مدنیت گذشته آن بحث مینماید. گرچه در همه نقاط وطن آثار بزرگه رجدار و برز برکوها و مغارها و زیر زمینی ها محسوساً یا بطور تصادف کشف و ملاحظه شده هر کدام بذات خود مویذ اباحت تاریخی است ولی از زمانیکه کار حفریات (آرکیولوژی) مستقیماً از طرف هیئت عتیقه شناسی فرانسه در خاک ما شروع گردیده خوشبختانه محل یکجمله مشکلات بزرگ تاریخ وطن ما کامیاب گردیده است و امروز علاقه مندان بتاریخ و افتخارات وطن میتوانند از ملاحظه این آثار، ادوار و طبقات هر تمدنی را در خاک خود تعیین و تمیز نمایند.

ارقاتی که فضلالی فرانسوی مصروف کسحکاوای و تحقیقات مجسمه های نامیاب و حفریات بگرام بودند، و کرمی شد که ما از تمدنهای بزرگ قبل از اسلام تنها کشف تمدن بودائی

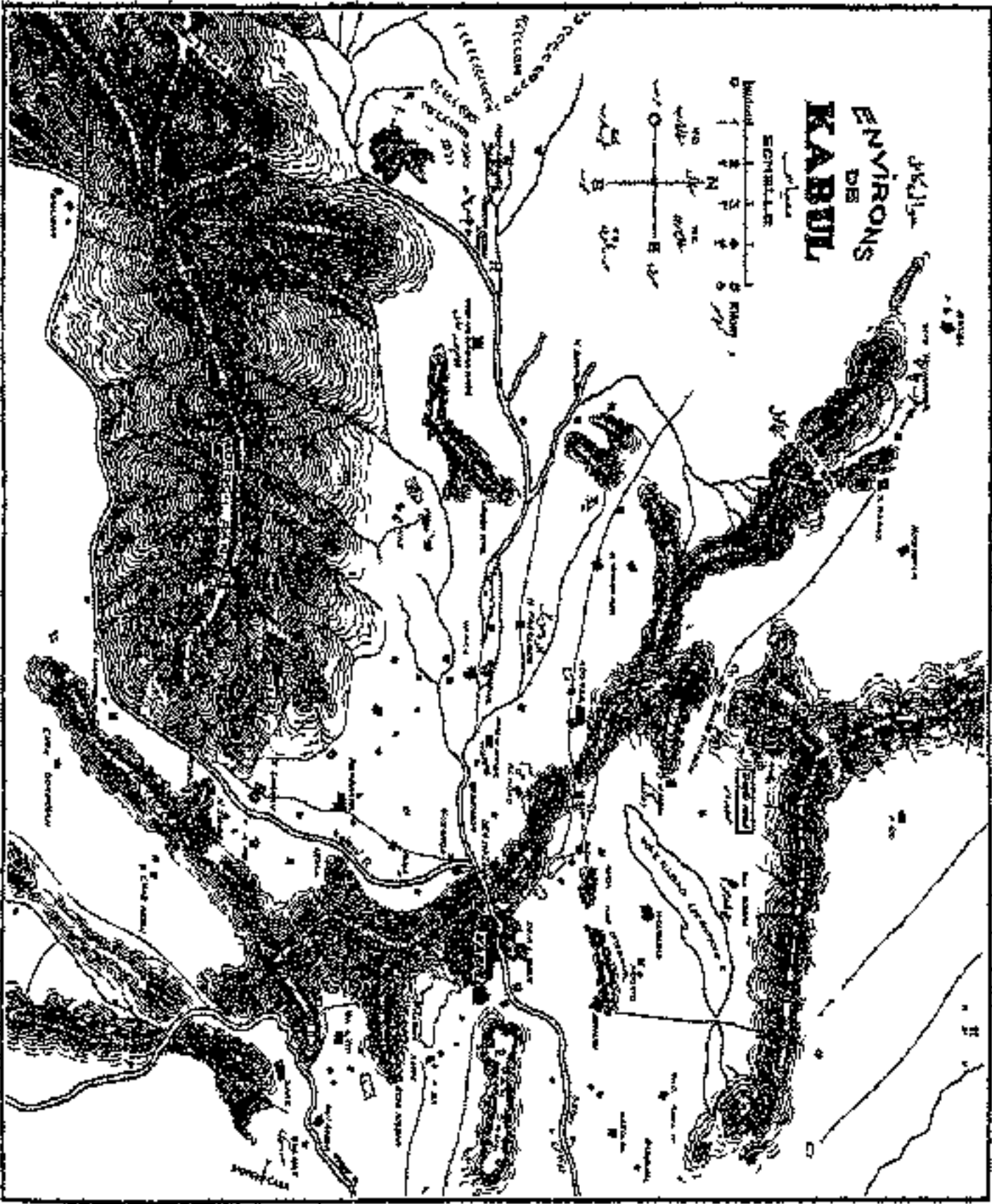
و یونانی موفق شده ایم . ولی در اثر حفریاتی که دانشمند فاضل موسیوها کن عضو هیئت
 عتیقه شناسی فرانسه بعیت همکار خود موسیو کرل در سال ۱۳۱۲ بکوئل خیر خانه
 (۱۲ کیلو متر بشمال غرب کابل) نمود معزی الیهم بکشف یکمده آثار و مجسمه های
 ارباب انواع برهنی نیز موفق گردیدند که امروز عین این آثار در موزه کابل و موزه گیمه
 پاریس موجود است و هر بیننده را بوجود تمدن گذشته برهنی در افغانستان معلومات میدهد .
 موسیو ها کن نسبت باین موفقیت خود راجع بانارمند کور راپورت کشفیات خود
 را ماتحقیقات تاریخی عمیقی که درین باره بعمل آورده در تحت عنوان « آثار مکشوفه از کوتل
 خیرخانه » بصورت رساله بزبان فرانسه نوشته و همراه تصاویر و نقشه های زیاد و نقشکی
 در پاریس طبع نمود و اخیراً عالیقدر فاضل جناب سید فاسم خان « رشنیا » مدیر شعبه نشریات
 انجمن ادبی کابل (پشتوتولنه) که از جوانان لایق و فعال و طرفدار افتخارات وطن بوده
 و نتیجه تحصیلات فرانسه و زحمات مکتب و استفاده های فکری و مطالعات خود را از
 چند بست که باهل و اولاد وطن خود افاده مینماید ، در سال ۱۳۱۵ این اثر را از زبان
 فرانسه بنارسی ترجمه و تراجم مذکور در شماره های گذشته کابل « مسلسل نشر گردیده
 است » اینک درین مرتبه عموم تراجم مذکوره بطور رساله جمع و بتصویب و نظریه انجمن
 ادبی کابل بمطبعه عمومی بطبع رسیده و بواسطه این اثر از طرف جناب « رشتیا » کمکی
 بمربایه عرفانی وطن کرده شد . البته که قرائت این رساله از لحاظ فهمیدن حیات و
 تاریخ و چگونگی زندگانی و افکار چند قرن قبل اهالی وطن رای اولاد امروزه حالی
 ارداچسپی بوده و بناران ما مطالعه آنرا قبلاً باهل وطن توصیه مینمایند . (انجمن)

عرض مرام

آرزوی هر فرد وطن پرست اینست که از هر جنبه ممکن و میسر شود خدمتی برای ملک و ملت خویش نموده باشد ، چنانچه برخی از رهگذر امور اداری و بعضی در رشته عسکری و دسته در زمینه خدمات عرفانی و . . . و غیره حتی المقدور برای پیشبرد این آمال مقدس بتدل مساعی مینمایند .

خوشبختانه پدشاه و وظیفه موجوده ، باینجانب موقع داده که در قسمت مقاصد عرفانی برای روشن ساختن مفاخر تاریخی وطن حصه بگیرم و با استفاده از موقع هر آنچه که درباره معرفی مفاخر ملی پیش نظرم برسد ، به اخذ آن پرداخته برای استفاده وطن و هموطنان عزیز آماده نمایم . منجمله اینک کتابی را که بتازگی از طرف دانشمند محقق فرانسوی جناب موسیو ژوزف هاکن راجع به آثار تاریخی مکشوفه از کوتل خیرخانه (کابل) تألیف و نشر شده است ، ترجمه و به پیشگاه فرزندان وطن تقدیم نموده ضمناً رجاء دارم از سهو و حطائی که درین اثر ارر هگذر نار سائی فکر و قلم مترجم و علمی بودن مضمون و موضوع کتاب ملاحظه شود ، بهنگاه انحصاص بگذرند .

• رشتیا •



نقشه حوالی کابل و محل تقسیم آبار منطقه کابل حیر ساه

فصل اول

حفریاتی که بسال ۱۹۳۴ (ر.م.تان ۱۳۱۳ ش) در شیب مشرقی کوتل خیرخانه (۱) به ۱۲ کیلومتری شمال غرب کابل ذریعۀ هیئت عتیقه شناسی فرانسوی مقیم افغانستان بعمل آمده ، يك معبد مخر و به و مباحثات آن را مكشوف ساخته است . محلیکه آثار مزبور از آنجا كشف شده ، در انتهای يك دماغه سنگی وقوع دارد که از سمت غرب جانب شرق امتداد یافته . دماغه سنگی مزبور يك پارچه کوه موسوم به کوه هزاره بغل که بردشت ورر آباد حاکمیت دارد (نقشه ملاحظه شود) ، مربوط و حصه شمالی ارتفاعی را تشکیل میدهد که ر کوتل خیرخانه و راه بلخ که در قدیم مهمترین راه مواصلات مابین آسیای مرکزی و هند بود ، حاکم است .

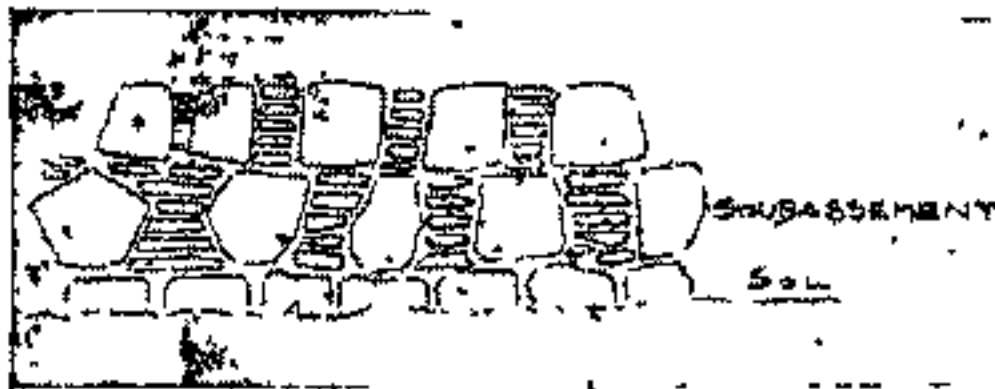
رخ معبد و مباحثات آن نظریف دشت وزیر آباد بوده (تصویر ۵) ارتخت بام معبد ، انسان تا آن کوه هائی را اشاره کرده میتواند که دشت مزبور را از سمت جنوب و جنوب شرق احاطه کرده است . از جهت شرقی رشته کوه های (شیرانی) و (چکری) مشاهده میرسد و از يك بریدگی که در حصه قلعه کوه چکری وجود دارد ، دور نمای میناری نظر می آید که سابقاً بر فرار آن (در مه ککره) بی نشانه قانون بودائی (مقصود ساز چکری) نصب بود .

در فصل بهار فرور یکی دشت وریر آباد فاصله وسیعی زیر آب می شود و دراز

(۱) کوتلی خیرخانه در نقشه هائی که پیش از سال ۱۹۲۳ ساخته شده ، بام کوتل خرس خانه نشان داده شده است .

وقت آب نظرف قلمه‌های اطراف رخنه کرده به‌ضی اوقات تاقریه‌های (خوجه بغرا) و (وزیر آباد) نیز میرسد. دور تر به‌سمت جنوب حانه‌های کابل دیده می‌شود که در دامان کوه (شیر دروازه) و (سیاسنگ) فته‌است (نقشه ملاحظه شود). ووقیه‌که غبار صبحگاهان اردامنه افق رائل میشود، به‌سهولت تمام گنبد‌های ستوپه‌های (۱) شیوکی را درپای کوه چگری مشاهده میتوان کرد.

این بوده تماشای که در رمانه‌های قدیم این معبد معتبر بودائی جلو نظر راثرین و واردین هموار کرده اینوسیه آنها را به تفکر و عبادت وادار میداخت.



(شکل اول)

محلکه اران تذکار

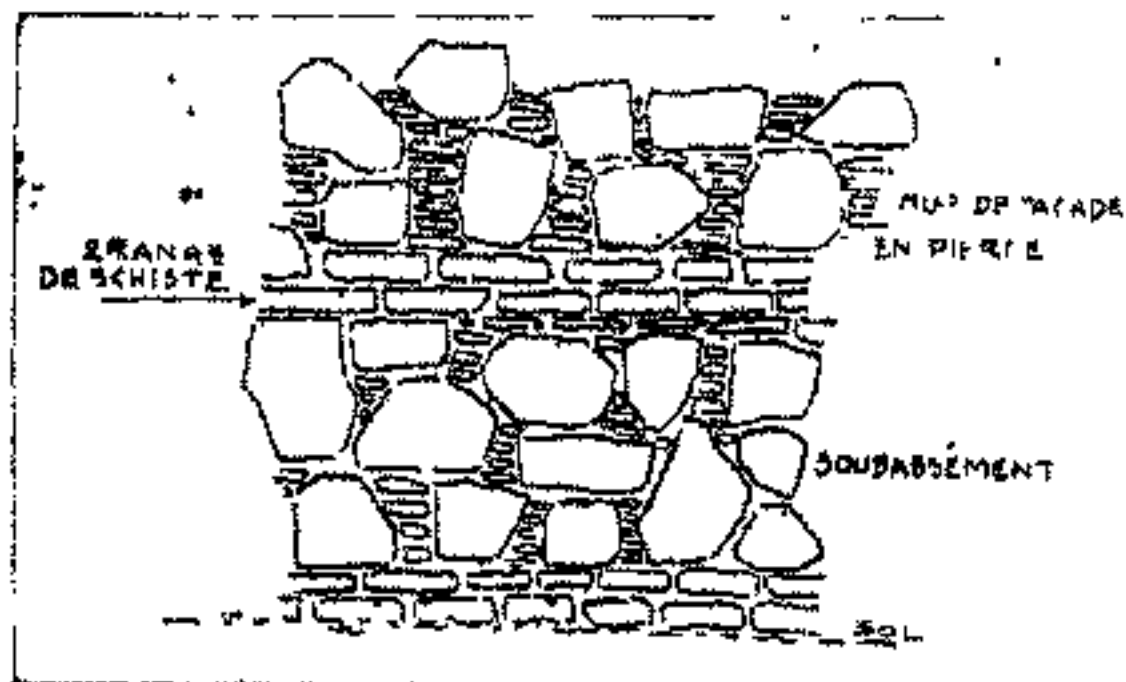
بودیم، در ماه فروری ۱۹۳۴ در ضمن جستجوی عتیقه شناسی از طرف موسیو (ژان کارل) کشف شده، عمارات مخروبه زیر خاکها ئیکه در اثر

ریزش اران‌های سیلابی موسم بهار ارشیت‌های شرقی کره هراره نقل جده شده، پنهان شده بود. چنانچه معبد و مایحقات آن بنظر بیسسه، پهل عندی‌های مندور خورد و بزرگ معلوم می‌شد (تصویر - ۶) آنچه به کشف آثار مزبور شد، همانا عبارت از حمیدگی واضح قلعه یکی ازین غندی‌ها بود که توجه موسیو ژان کارل را بسوی خود جلب نمود؛ اولین حفریاتی که در اوائل ماه مارچ بعمل آمد، نتایج بسیار جرئت بخشائی داده، بزودی يك قسمت از مایحقات معبد (ه - و - ز) از زیر حاك برآمد. کمر بند دیوار زیرین مزبور صراک بود از پارچه‌های ضخیم سنگ سلیت (۱) که روی هم گذاشته بودند و برای آنکه سنگ کاری شکمتر باشد بقاصه‌های معین بعضی سنگ

(۱) ستوپه بنای مخصوصی که بودائی‌ها دران ترکات خود را مگداشند. مترجم

های بزرگ سلیت را بکار برده . رخ سنگهای مذکور را بدقت تمام حجاری و تزئین نموده بودند . چنانچه این طریقه تعمیر در عمرانات تاریخی جلال آباد و کابل بکثرت مشاهده رسیده است (شکل ۱ و ۲) .

وقتی که این نتایج
ابتدائی بدست
آمد کار حفريات
از طرف موسیو
ژان کارل و
بمعاونت موسیو
(ای - تاکه)
طور با قاعده
تعیین گردید :
دیوار زیرین

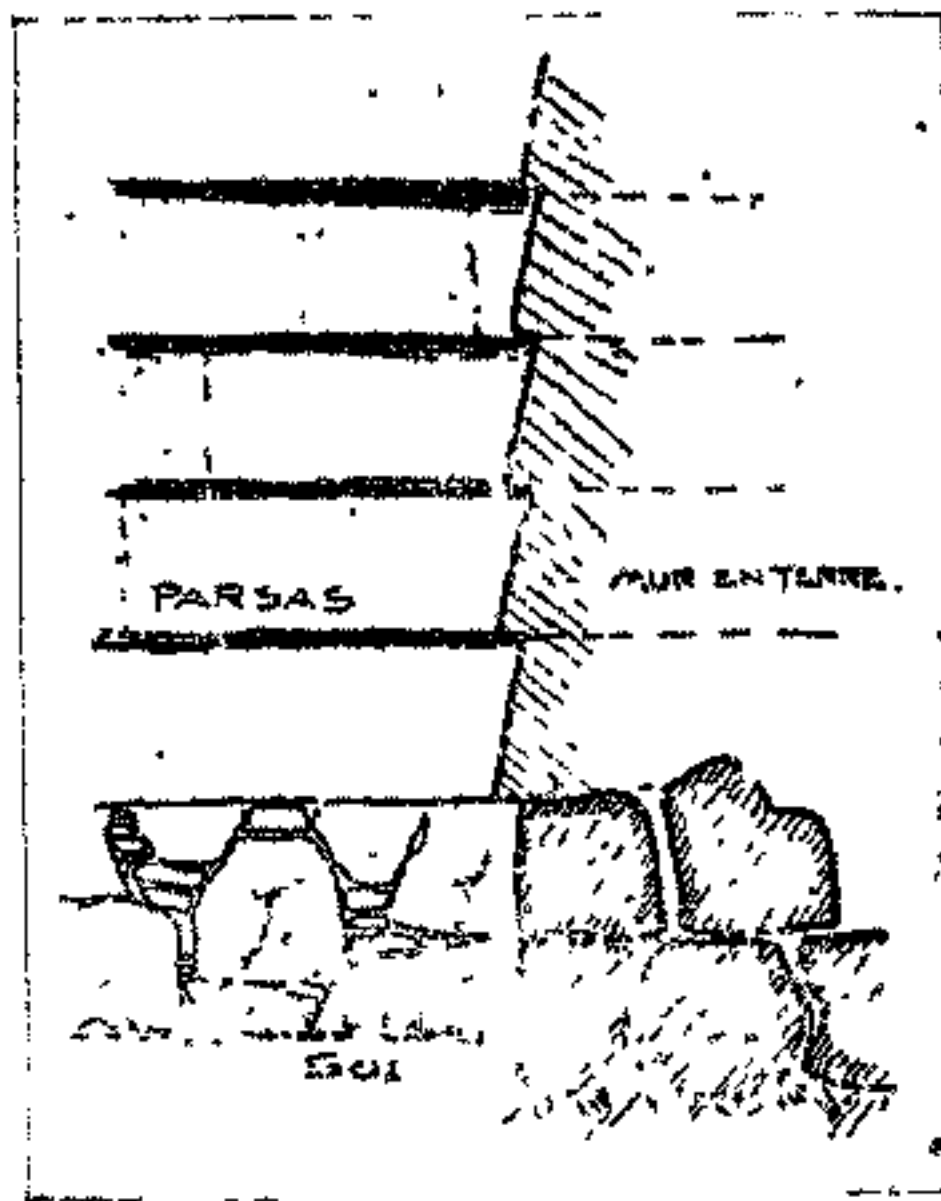


(شکل دوم)

تدریجاً از زیر حاکم بیرون کرده شد . ریشه که در رخ جنوبی این دیوار ساخته شده بود ، مدخل عمده با را تشکیل میداد (تصویر ۴ - V و تصویر ۱ -) و مدخل ثانوی در رخ شمالی عمارت تمییز شده بود . در آن پس انسان داخل حویلی درونی و بعد از آن جا بواسطه يك عمارت مایل (رخ شمالی دیوار زیرین) به تحت نام عبادت خانه میرسد . يك وسیله دیگر برای بالا شدن به عبادت خانه وجود داشته که عبارت است از ریزه که مستقیماً صحن زمین را به تحت نام وصل میکنند (تصویر ۱ -) این تحت نام که بر بالای آن هر سه عمارت خانه (الصب - ح) وقوع دارد ، در حقیقت عمارت است از نام هموار يك عمارت قدیمی تری (تصویر ۱ -) که دارای سه اطاق بوده . ولی هر سه اطاق مزبور مدخل

(۱) سنگ ورقه ورقه که برای سبک کاری تپدا ب های عمارت بکار میرود و اصلاً از جنس سنگی سلیت بوده ، در زبان فنی نام (شیت) بد میشود « مترجم »

سوراخ مرکزی - در سوراخ های سه گانه ، سه مجسمه پیشوایان بودائی را نصب کرده و برای وصل کردن ، ورقه های باریک سنگ سلیت را بکار برده اند . پس بایستقرار مجموع مجسمه های مذکور در هر سه حجره عبارت از ۹ مجسمه بوده است . موسیو ژان کارل در وقت کشف کرسی حجره (الف) سکوی مرمر سفیدی را بدست آورده که روی آن هنوز دوپای یک مجسمه وصل است (تصویر ۱ - تصویر ۱۰ -) و تصویر ۱۱ - () . همچنین ارمیان ها کپهائی که زاویه تراست قسمت عقب حجره (الف) را محسوسات ، یک مجسمه کوچکی کشف شده که یک (معطی) یعنی العام دهند ؛ را نمایش میدهد



(۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۱ - ۲۲ - ۲۳ - ۲۴ - ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۳۲ - ۳۳ - ۳۴ - ۳۵ - ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۰ - ۴۱ - ۴۲ - ۴۳ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۶ - ۴۷ - ۴۸ - ۴۹ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۲ - ۵۳ - ۵۴ - ۵۵ - ۵۶ - ۵۷ - ۵۸ - ۵۹ - ۶۰ - ۶۱ - ۶۲ - ۶۳ - ۶۴ - ۶۵ - ۶۶ - ۶۷ - ۶۸ - ۶۹ - ۷۰ - ۷۱ - ۷۲ - ۷۳ - ۷۴ - ۷۵ - ۷۶ - ۷۷ - ۷۸ - ۷۹ - ۸۰ - ۸۱ - ۸۲ - ۸۳ - ۸۴ - ۸۵ - ۸۶ - ۸۷ - ۸۸ - ۸۹ - ۹۰ - ۹۱ - ۹۲ - ۹۳ - ۹۴ - ۹۵ - ۹۶ - ۹۷ - ۹۸ - ۹۹ - ۱۰۰ - ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴ - ۱۰۵ - ۱۰۶ - ۱۰۷ - ۱۰۸ - ۱۰۹ - ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۲ - ۱۱۳ - ۱۱۴ - ۱۱۵ - ۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۱۸ - ۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۲۳ - ۱۲۴ - ۱۲۵ - ۱۲۶ - ۱۲۷ - ۱۲۸ - ۱۲۹ - ۱۳۰ - ۱۳۱ - ۱۳۲ - ۱۳۳ - ۱۳۴ - ۱۳۵ - ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۳۹ - ۱۴۰ - ۱۴۱ - ۱۴۲ - ۱۴۳ - ۱۴۴ - ۱۴۵ - ۱۴۶ - ۱۴۷ - ۱۴۸ - ۱۴۹ - ۱۵۰ - ۱۵۱ - ۱۵۲ - ۱۵۳ - ۱۵۴ - ۱۵۵ - ۱۵۶ - ۱۵۷ - ۱۵۸ - ۱۵۹ - ۱۶۰ - ۱۶۱ - ۱۶۲ - ۱۶۳ - ۱۶۴ - ۱۶۵ - ۱۶۶ - ۱۶۷ - ۱۶۸ - ۱۶۹ - ۱۷۰ - ۱۷۱ - ۱۷۲ - ۱۷۳ - ۱۷۴ - ۱۷۵ - ۱۷۶ - ۱۷۷ - ۱۷۸ - ۱۷۹ - ۱۸۰ - ۱۸۱ - ۱۸۲ - ۱۸۳ - ۱۸۴ - ۱۸۵ - ۱۸۶ - ۱۸۷ - ۱۸۸ - ۱۸۹ - ۱۹۰ - ۱۹۱ - ۱۹۲ - ۱۹۳ - ۱۹۴ - ۱۹۵ - ۱۹۶ - ۱۹۷ - ۱۹۸ - ۱۹۹ - ۲۰۰ - ۲۰۱ - ۲۰۲ - ۲۰۳ - ۲۰۴ - ۲۰۵ - ۲۰۶ - ۲۰۷ - ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۱ - ۲۱۲ - ۲۱۳ - ۲۱۴ - ۲۱۵ - ۲۱۶ - ۲۱۷ - ۲۱۸ - ۲۱۹ - ۲۲۰ - ۲۲۱ - ۲۲۲ - ۲۲۳ - ۲۲۴ - ۲۲۵ - ۲۲۶ - ۲۲۷ - ۲۲۸ - ۲۲۹ - ۲۳۰ - ۲۳۱ - ۲۳۲ - ۲۳۳ - ۲۳۴ - ۲۳۵ - ۲۳۶ - ۲۳۷ - ۲۳۸ - ۲۳۹ - ۲۴۰ - ۲۴۱ - ۲۴۲ - ۲۴۳ - ۲۴۴ - ۲۴۵ - ۲۴۶ - ۲۴۷ - ۲۴۸ - ۲۴۹ - ۲۵۰ - ۲۵۱ - ۲۵۲ - ۲۵۳ - ۲۵۴ - ۲۵۵ - ۲۵۶ - ۲۵۷ - ۲۵۸ - ۲۵۹ - ۲۶۰ - ۲۶۱ - ۲۶۲ - ۲۶۳ - ۲۶۴ - ۲۶۵ - ۲۶۶ - ۲۶۷ - ۲۶۸ - ۲۶۹ - ۲۷۰ - ۲۷۱ - ۲۷۲ - ۲۷۳ - ۲۷۴ - ۲۷۵ - ۲۷۶ - ۲۷۷ - ۲۷۸ - ۲۷۹ - ۲۸۰ - ۲۸۱ - ۲۸۲ - ۲۸۳ - ۲۸۴ - ۲۸۵ - ۲۸۶ - ۲۸۷ - ۲۸۸ - ۲۸۹ - ۲۹۰ - ۲۹۱ - ۲۹۲ - ۲۹۳ - ۲۹۴ - ۲۹۵ - ۲۹۶ - ۲۹۷ - ۲۹۸ - ۲۹۹ - ۳۰۰ - ۳۰۱ - ۳۰۲ - ۳۰۳ - ۳۰۴ - ۳۰۵ - ۳۰۶ - ۳۰۷ - ۳۰۸ - ۳۰۹ - ۳۱۰ - ۳۱۱ - ۳۱۲ - ۳۱۳ - ۳۱۴ - ۳۱۵ - ۳۱۶ - ۳۱۷ - ۳۱۸ - ۳۱۹ - ۳۲۰ - ۳۲۱ - ۳۲۲ - ۳۲۳ - ۳۲۴ - ۳۲۵ - ۳۲۶ - ۳۲۷ - ۳۲۸ - ۳۲۹ - ۳۳۰ - ۳۳۱ - ۳۳۲ - ۳۳۳ - ۳۳۴ - ۳۳۵ - ۳۳۶ - ۳۳۷ - ۳۳۸ - ۳۳۹ - ۳۴۰ - ۳۴۱ - ۳۴۲ - ۳۴۳ - ۳۴۴ - ۳۴۵ - ۳۴۶ - ۳۴۷ - ۳۴۸ - ۳۴۹ - ۳۵۰ - ۳۵۱ - ۳۵۲ - ۳۵۳ - ۳۵۴ - ۳۵۵ - ۳۵۶ - ۳۵۷ - ۳۵۸ - ۳۵۹ - ۳۶۰ - ۳۶۱ - ۳۶۲ - ۳۶۳ - ۳۶۴ - ۳۶۵ - ۳۶۶ - ۳۶۷ - ۳۶۸ - ۳۶۹ - ۳۷۰ - ۳۷۱ - ۳۷۲ - ۳۷۳ - ۳۷۴ - ۳۷۵ - ۳۷۶ - ۳۷۷ - ۳۷۸ - ۳۷۹ - ۳۸۰ - ۳۸۱ - ۳۸۲ - ۳۸۳ - ۳۸۴ - ۳۸۵ - ۳۸۶ - ۳۸۷ - ۳۸۸ - ۳۸۹ - ۳۹۰ - ۳۹۱ - ۳۹۲ - ۳۹۳ - ۳۹۴ - ۳۹۵ - ۳۹۶ - ۳۹۷ - ۳۹۸ - ۳۹۹ - ۴۰۰ - ۴۰۱ - ۴۰۲ - ۴۰۳ - ۴۰۴ - ۴۰۵ - ۴۰۶ - ۴۰۷ - ۴۰۸ - ۴۰۹ - ۴۱۰ - ۴۱۱ - ۴۱۲ - ۴۱۳ - ۴۱۴ - ۴۱۵ - ۴۱۶ - ۴۱۷ - ۴۱۸ - ۴۱۹ - ۴۲۰ - ۴۲۱ - ۴۲۲ - ۴۲۳ - ۴۲۴ - ۴۲۵ - ۴۲۶ - ۴۲۷ - ۴۲۸ - ۴۲۹ - ۴۳۰ - ۴۳۱ - ۴۳۲ - ۴۳۳ - ۴۳۴ - ۴۳۵ - ۴۳۶ - ۴۳۷ - ۴۳۸ - ۴۳۹ - ۴۴۰ - ۴۴۱ - ۴۴۲ - ۴۴۳ - ۴۴۴ - ۴۴۵ - ۴۴۶ - ۴۴۷ - ۴۴۸ - ۴۴۹ - ۴۵۰ - ۴۵۱ - ۴۵۲ - ۴۵۳ - ۴۵۴ - ۴۵۵ - ۴۵۶ - ۴۵۷ - ۴۵۸ - ۴۵۹ - ۴۶۰ - ۴۶۱ - ۴۶۲ - ۴۶۳ - ۴۶۴ - ۴۶۵ - ۴۶۶ - ۴۶۷ - ۴۶۸ - ۴۶۹ - ۴۷۰ - ۴۷۱ - ۴۷۲ - ۴۷۳ - ۴۷۴ - ۴۷۵ - ۴۷۶ - ۴۷۷ - ۴۷۸ - ۴۷۹ - ۴۸۰ - ۴۸۱ - ۴۸۲ - ۴۸۳ - ۴۸۴ - ۴۸۵ - ۴۸۶ - ۴۸۷ - ۴۸۸ - ۴۸۹ - ۴۹۰ - ۴۹۱ - ۴۹۲ - ۴۹۳ - ۴۹۴ - ۴۹۵ - ۴۹۶ - ۴۹۷ - ۴۹۸ - ۴۹۹ - ۵۰۰ - ۵۰۱ - ۵۰۲ - ۵۰۳ - ۵۰۴ - ۵۰۵ - ۵۰۶ - ۵۰۷ - ۵۰۸ - ۵۰۹ - ۵۱۰ - ۵۱۱ - ۵۱۲ - ۵۱۳ - ۵۱۴ - ۵۱۵ - ۵۱۶ - ۵۱۷ - ۵۱۸ - ۵۱۹ - ۵۲۰ - ۵۲۱ - ۵۲۲ - ۵۲۳ - ۵۲۴ - ۵۲۵ - ۵۲۶ - ۵۲۷ - ۵۲۸ - ۵۲۹ - ۵۳۰ - ۵۳۱ - ۵۳۲ - ۵۳۳ - ۵۳۴ - ۵۳۵ - ۵۳۶ - ۵۳۷ - ۵۳۸ - ۵۳۹ - ۵۴۰ - ۵۴۱ - ۵۴۲ - ۵۴۳ - ۵۴۴ - ۵۴۵ - ۵۴۶ - ۵۴۷ - ۵۴۸ - ۵۴۹ - ۵۵۰ - ۵۵۱ - ۵۵۲ - ۵۵۳ - ۵۵۴ - ۵۵۵ - ۵۵۶ - ۵۵۷ - ۵۵۸ - ۵۵۹ - ۵۶۰ - ۵۶۱ - ۵۶۲ - ۵۶۳ - ۵۶۴ - ۵۶۵ - ۵۶۶ - ۵۶۷ - ۵۶۸ - ۵۶۹ - ۵۷۰ - ۵۷۱ - ۵۷۲ - ۵۷۳ - ۵۷۴ - ۵۷۵ - ۵۷۶ - ۵۷۷ - ۵۷۸ - ۵۷۹ - ۵۸۰ - ۵۸۱ - ۵۸۲ - ۵۸۳ - ۵۸۴ - ۵۸۵ - ۵۸۶ - ۵۸۷ - ۵۸۸ - ۵۸۹ - ۵۹۰ - ۵۹۱ - ۵۹۲ - ۵۹۳ - ۵۹۴ - ۵۹۵ - ۵۹۶ - ۵۹۷ - ۵۹۸ - ۵۹۹ - ۶۰۰ - ۶۰۱ - ۶۰۲ - ۶۰۳ - ۶۰۴ - ۶۰۵ - ۶۰۶ - ۶۰۷ - ۶۰۸ - ۶۰۹ - ۶۱۰ - ۶۱۱ - ۶۱۲ - ۶۱۳ - ۶۱۴ - ۶۱۵ - ۶۱۶ - ۶۱۷ - ۶۱۸ - ۶۱۹ - ۶۲۰ - ۶۲۱ - ۶۲۲ - ۶۲۳ - ۶۲۴ - ۶۲۵ - ۶۲۶ - ۶۲۷ - ۶۲۸ - ۶۲۹ - ۶۳۰ - ۶۳۱ - ۶۳۲ - ۶۳۳ - ۶۳۴ - ۶۳۵ - ۶۳۶ - ۶۳۷ - ۶۳۸ - ۶۳۹ - ۶۴۰ - ۶۴۱ - ۶۴۲ - ۶۴۳ - ۶۴۴ - ۶۴۵ - ۶۴۶ - ۶۴۷ - ۶۴۸ - ۶۴۹ - ۶۵۰ - ۶۵۱ - ۶۵۲ - ۶۵۳ - ۶۵۴ - ۶۵۵ - ۶۵۶ - ۶۵۷ - ۶۵۸ - ۶۵۹ - ۶۶۰ - ۶۶۱ - ۶۶۲ - ۶۶۳ - ۶۶۴ - ۶۶۵ - ۶۶۶ - ۶۶۷ - ۶۶۸ - ۶۶۹ - ۶۷۰ - ۶۷۱ - ۶۷۲ - ۶۷۳ - ۶۷۴ - ۶۷۵ - ۶۷۶ - ۶۷۷ - ۶۷۸ - ۶۷۹ - ۶۸۰ - ۶۸۱ - ۶۸۲ - ۶۸۳ - ۶۸۴ - ۶۸۵ - ۶۸۶ - ۶۸۷ - ۶۸۸ - ۶۸۹ - ۶۹۰ - ۶۹۱ - ۶۹۲ - ۶۹۳ - ۶۹۴ - ۶۹۵ - ۶۹۶ - ۶۹۷ - ۶۹۸ - ۶۹۹ - ۷۰۰ - ۷۰۱ - ۷۰۲ - ۷۰۳ - ۷۰۴ - ۷۰۵ - ۷۰۶ - ۷۰۷ - ۷۰۸ - ۷۰۹ - ۷۱۰ - ۷۱۱ - ۷۱۲ - ۷۱۳ - ۷۱۴ - ۷۱۵ - ۷۱۶ - ۷۱۷ - ۷۱۸ - ۷۱۹ - ۷۲۰ - ۷۲۱ - ۷۲۲ - ۷۲۳ - ۷۲۴ - ۷۲۵ - ۷۲۶ - ۷۲۷ - ۷۲۸ - ۷۲۹ - ۷۳۰ - ۷۳۱ - ۷۳۲ - ۷۳۳ - ۷۳۴ - ۷۳۵ - ۷۳۶ - ۷۳۷ - ۷۳۸ - ۷۳۹ - ۷۴۰ - ۷۴۱ - ۷۴۲ - ۷۴۳ - ۷۴۴ - ۷۴۵ - ۷۴۶ - ۷۴۷ - ۷۴۸ - ۷۴۹ - ۷۵۰ - ۷۵۱ - ۷۵۲ - ۷۵۳ - ۷۵۴ - ۷۵۵ - ۷۵۶ - ۷۵۷ - ۷۵۸ - ۷۵۹ - ۷۶۰ - ۷۶۱ - ۷۶۲ - ۷۶۳ - ۷۶۴ - ۷۶۵ - ۷۶۶ - ۷۶۷ - ۷۶۸ - ۷۶۹ - ۷۷۰ - ۷۷۱ - ۷۷۲ - ۷۷۳ - ۷۷۴ - ۷۷۵ - ۷۷۶ - ۷۷۷ - ۷۷۸ - ۷۷۹ - ۷۸۰ - ۷۸۱ - ۷۸۲ - ۷۸۳ - ۷۸۴ - ۷۸۵ - ۷۸۶ - ۷۸۷ - ۷۸۸ - ۷۸۹ - ۷۹۰ - ۷۹۱ - ۷۹۲ - ۷۹۳ - ۷۹۴ - ۷۹۵ - ۷۹۶ - ۷۹۷ - ۷۹۸ - ۷۹۹ - ۸۰۰ - ۸۰۱ - ۸۰۲ - ۸۰۳ - ۸۰۴ - ۸۰۵ - ۸۰۶ - ۸۰۷ - ۸۰۸ - ۸۰۹ - ۸۱۰ - ۸۱۱ - ۸۱۲ - ۸۱۳ - ۸۱۴ - ۸۱۵ - ۸۱۶ - ۸۱۷ - ۸۱۸ - ۸۱۹ - ۸۲۰ - ۸۲۱ - ۸۲۲ - ۸۲۳ - ۸۲۴ - ۸۲۵ - ۸۲۶ - ۸۲۷ - ۸۲۸ - ۸۲۹ - ۸۳۰ - ۸۳۱ - ۸۳۲ - ۸۳۳ - ۸۳۴ - ۸۳۵ - ۸۳۶ - ۸۳۷ - ۸۳۸ - ۸۳۹ - ۸۴۰ - ۸۴۱ - ۸۴۲ - ۸۴۳ - ۸۴۴ - ۸۴۵ - ۸۴۶ - ۸۴۷ - ۸۴۸ - ۸۴۹ - ۸۵۰ - ۸۵۱ - ۸۵۲ - ۸۵۳ - ۸۵۴ - ۸۵۵ - ۸۵۶ - ۸۵۷ - ۸۵۸ - ۸۵۹ - ۸۶۰ - ۸۶۱ - ۸۶۲ - ۸۶۳ - ۸۶۴ - ۸۶۵ - ۸۶۶ - ۸۶۷ - ۸۶۸ - ۸۶۹ - ۸۷۰ - ۸۷۱ - ۸۷۲ - ۸۷۳ - ۸۷۴ - ۸۷۵ - ۸۷۶ - ۸۷۷ - ۸۷۸ - ۸۷۹ - ۸۸۰ - ۸۸۱ - ۸۸۲ - ۸۸۳ - ۸۸۴ - ۸۸۵ - ۸۸۶ - ۸۸۷ - ۸۸۸ - ۸۸۹ - ۸۹۰ - ۸۹۱ - ۸۹۲ - ۸۹۳ - ۸۹۴ - ۸۹۵ - ۸۹۶ - ۸۹۷ - ۸۹۸ - ۸۹۹ - ۹۰۰ - ۹۰۱ - ۹۰۲ - ۹۰۳ - ۹۰۴ - ۹۰۵ - ۹۰۶ - ۹۰۷ - ۹۰۸ - ۹۰۹ - ۹۱۰ - ۹۱۱ - ۹۱۲ - ۹۱۳ - ۹۱۴ - ۹۱۵ - ۹۱۶ - ۹۱۷ - ۹۱۸ - ۹۱۹ - ۹۲۰ - ۹۲۱ - ۹۲۲ - ۹۲۳ - ۹۲۴ - ۹۲۵ - ۹۲۶ - ۹۲۷ - ۹۲۸ - ۹۲۹ - ۹۳۰ - ۹۳۱ - ۹۳۲ - ۹۳۳ - ۹۳۴ - ۹۳۵ - ۹۳۶ - ۹۳۷ - ۹۳۸ - ۹۳۹ - ۹۴۰ - ۹۴۱ - ۹۴۲ - ۹۴۳ - ۹۴۴ - ۹۴۵ - ۹۴۶ - ۹۴۷ - ۹۴۸ - ۹۴۹ - ۹۵۰ - ۹۵۱ - ۹۵۲ - ۹۵۳ - ۹۵۴ - ۹۵۵ - ۹۵۶ - ۹۵۷ - ۹۵۸ - ۹۵۹ - ۹۶۰ - ۹۶۱ - ۹۶۲ - ۹۶۳ - ۹۶۴ - ۹۶۵ - ۹۶۶ - ۹۶۷ - ۹۶۸ - ۹۶۹ - ۹۷۰ - ۹۷۱ - ۹۷۲ - ۹۷۳ - ۹۷۴ - ۹۷۵ - ۹۷۶ - ۹۷۷ - ۹۷۸ - ۹۷۹ - ۹۸۰ - ۹۸۱ - ۹۸۲ - ۹۸۳ - ۹۸۴ - ۹۸۵ - ۹۸۶ - ۹۸۷ - ۹۸۸ - ۹۸۹ - ۹۹۰ - ۹۹۱ - ۹۹۲ - ۹۹۳ - ۹۹۴ - ۹۹۵ - ۹۹۶ - ۹۹۷ - ۹۹۸ - ۹۹۹ - ۱۰۰۰

و آن مجسمه در روی این سکوئی که فوقاً به آن اشاره رفت ، کشف شده بود مجسمه کرب النوع آفتاب و صاحبین او را نشان میدهد (تصویر ۱۲ و تصویر ۱۶) در جریان عملیات صاف کردن دالان جدا کننده حجره (ب) و حجره (ح) کشف شده است . و بغير این ها دیگر هیچیک مجسمه کشف نشده مگر بعضی تکه های هاله نوریکه دور مجسمه رب النوع آفتاب را همراه آن احاطه میکردند و برخی قطعات ریز و غیره . تمامی اشیائی که از اینجا کشف شده (تصویر ۱)

باستثنای یک تکه سنگ سلیت حجاری شده ، هموما از سنگ مرمر سفید در علی راتر یافته است . باینکه این هر سه حجره را مستور میداشت ، به یک عمارت نسبت برورگی کیه

آثار عتیقه کوتل خیر خانه (۷)

داشته که باثر باد و باران و غیره عوامل طبیعی ، خیلی صدمه دیده است (تصویر ۲
 ۳، ۴، شکل ترسیم و تکمیل شده آن را نشان می دهد) . این عمارت اخیرالذکر نیز
 روی عبادت خانه ابتدائی که فوقاً بسوی آن اشاره شد (تصویر ۱) بنا یافته بود .
 يك اطاق وسیع دیگری (اطاق د) نیز وجود داشت که مدخل آن در يك پهلویش
 واقع ، و چنان بنظر می آید که پلان ترسیم الحاقیه تعبیر شده باشد . باید بخاطر گرفت
 که بر رخ شمالی عمارت اخیرالذکر يك دیوار وصل شده که دیوار احاطه کننده تصور میشود .
 میتوان درك کرد که عمارت مخروبه که سمت جنوب و سمت شرقی و يك قسمت از سمت
 شمال حویلی درونی را احاطه کرده ، عبارت از رهائش گاه رهبانان عبادت خانه بوده
 است (تصویر ۱-۲-۳) بید الحدم ها و آتش خانه ها ، در نزدیکی رهائش گاهای سمت شمالی
 و قدری پایین تر از آن وقوع داشته و مدخل تمامی این اماکن بطرف شرق بوده است . باین سمت
 دیوار ربرین خیلی کسب ارتفاع نموده و شکل برج و بارو را محو گرفته (تصویر ۴)
 در اطاق (۶) (و) (شکل ۱۷) چندین چراغ و کوره های فراوانی از گِل پخته بد ساخت
 از ریر حاک بیرون آمده که در حصه مدور بعضی از این کوره ها ، تزئینات مختلفه
 کمی بر جسته تعبیه کرده اند (بلندی اوسط این کوزه ها يك متر و قطر حصه مدور
 آن ۶۰ سانتی متر میباشد) - در اطاق (و) دو قطعه مسكوك فلزی (از مس یا مفرغ)
 بدست آمده که روی آن شکل ملك و پاپی ، از سلاله کوشانی و ساسانی (قرن
 یح و شش بعد از مسیح علیه السلام) نقش است . (۱)

ایك از تشریح و معرفی عماراتی که مابین محوطه دیوار وقوع دارد ، یعنی معبد
 و ملحقات آن فارغ شده ، اکنون بندگ آن ملحقات دیگری میپردازیم که در سمت غرب

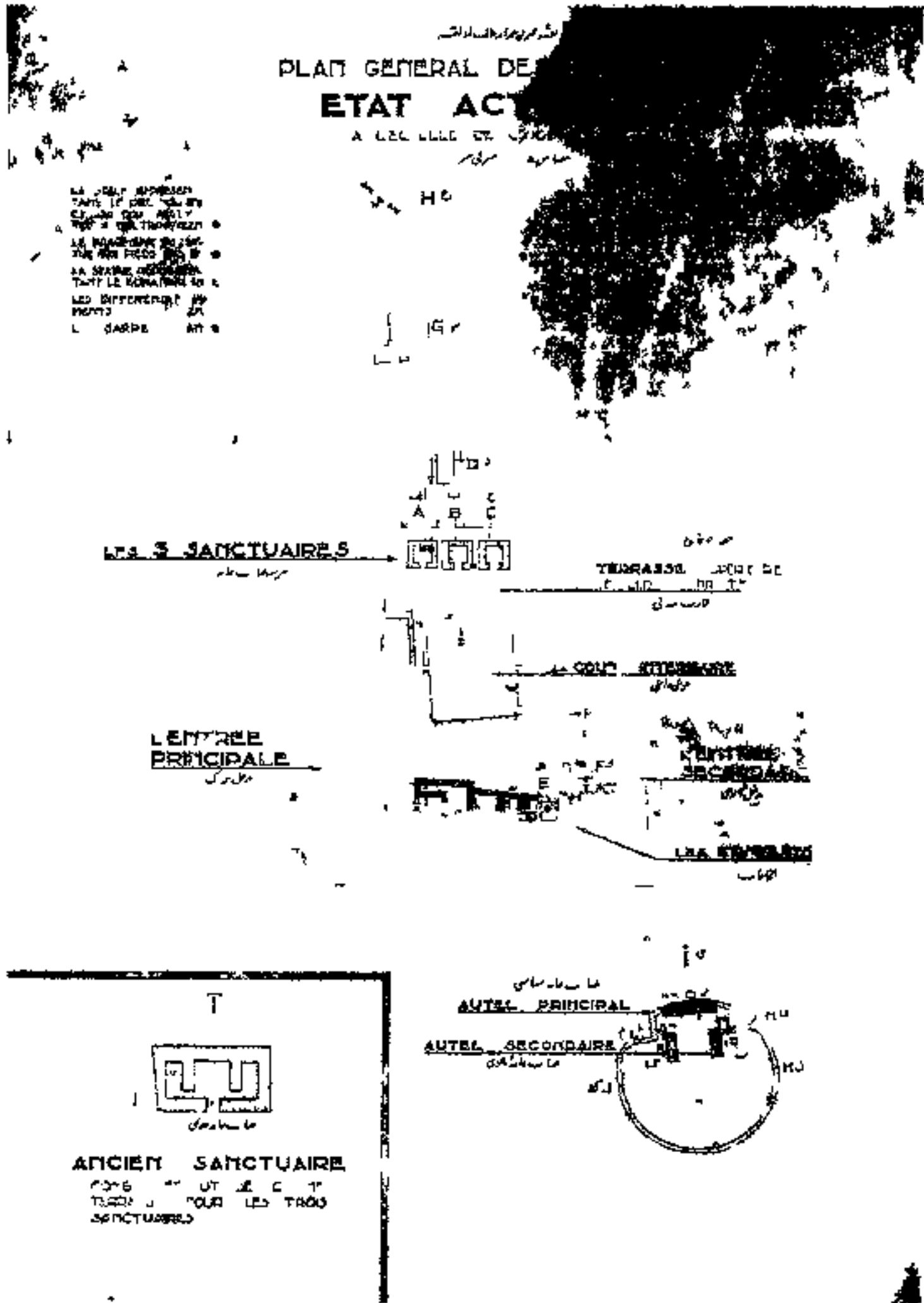
(۱) کتاب > مجموعه تصاویر مسكوكات دوره خانه هندوستان ، اثر ونست ، ای ، سٹ .

طبع کلکته صفحه ۲۳۵ و تصویر ۲۵ نمره ۲ و ۳ .

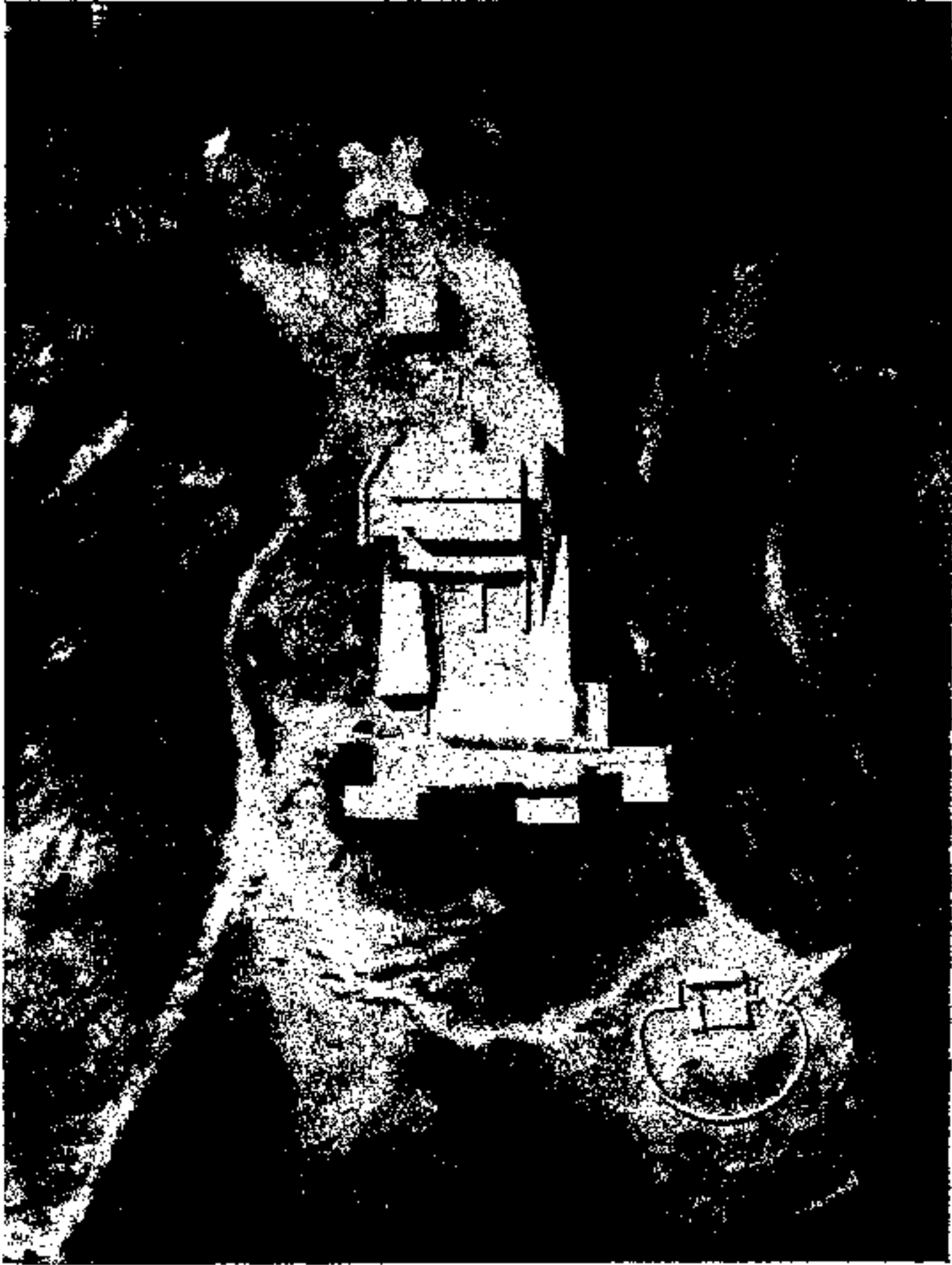
Vincent, A. Smith, Catalogue of the Coins in the Indian Museum
 Calcutta

و شرق مجموعه بناهای واقع در داخل زمین پرانه ، واقع و اطراف آن را دیوار زیرین احاطه کرده است ، عمارت (ر) (تصویر ۱۸) که به رخ غربی دسته عمارات اساسی نزدیکتر میباشد ، از خارج بشکل يك پشته مکعبی جلوه میدهد ، باید یاد کرد که فقط يك منفذ داشته و این منفذ نامدخل در رخ شرقی آن تعبیه شده باشد . مدخل مزبور به بالای منتهی میشود که بالای مذکور به دو اطاق مربوط است . و زینت که در سمت چپ مدخل ساخته شده ، تا نام عمارت امتداد یافته (تصویر ۱ - ۲ - ۳) دیوار های این عمارت از حشت خام و روی يك ته داب مرآکب از سنگهای تراشیده بد شکل با یافته بادیار خوشبها و حشت کاری منظمی که در پای عمارات (الف - ب - ح) مشاهده رسیده هیچ شادتی ندارد . ممکن است این بنا ها نیز ساخته شده و از دسته عمارات عمده عاید شده باشد . همچنین ، ته داب چهار ایچه که در روایای قسمت های مدور ، و قبه در غرب عمارت (ر) تعبیر شده ، (تصویر ۲۶ - ۱۸) همین نظر به را محاطر خطور می دهد . این عمارت بسیار بزرگ که قسمتی سنگ کاریهای غیر منظمی از سنگ سلیت را در بردارد ، از نائین تا بند ریور حصص آن قدر يك متر هم فرق مشاهده نمیرسد . چون نقشه این بنا (تصویر ۱ - ۳ - ۴) هیچ شباهتی با سنگ های معماری مکتوبه ندارد ، با بران قائم کرده کدام فرصتی نسبت به مورد استعمال این عمارت که معماران آن ، ای چه حدهتی عمارت مذکور را ساخته اند ، يك اقدام جسارت کارانه گفته خواهد شد .

الحاقه دیگر که در شرق دسته عمارات عمده واقع است ، از عمارت فوق الذکر کرده دانچسب تر معلوم میشود . برآهیراتی که ابتدا درین قسمت بواسطه موسیو کارل بعمل آمد ، آثار کجکاوی انگیزی را داهر صاحب : مثل تکه دیوار کوچک احاطه کننده که عمارت بزرگی مربوط میباشد . (تصویر ۲۶ - ۱۹) که عمارت مزبور ظاهراً باید معبدی باشد که در هوای آزاد ساخته . بنا بران در ماه نوامبر و دسامبر (۱) ۱۹۳۴



نقشه عمومی حرانه ها و محلات اولیه



نقشه عمومی آثار کوتل خیر خانه بصورت مکتب

آثار عتیقه کوتل خیرخانه (۹)

يك قسمت حفريات اصولی زیر نظر خود نگارنده (موسیو ژوزف هاکن) در آن حصه شروع شد، يك دسته عمارات که ساختمان مخصوصی داشت، از زیر خاک بیرون آمد. (تصویر ۱۹ و تصویر ۲۰). این بنا شامل دیوار کوچکی است که بانی مہارت تعمیر یافته و در ساختمان آن خاک آلوده با کچ استعمال گردیده بلندی دیوار ۵۰ سانتی متر و عرض آن مابین ۷۰ و ۸۰ سانتی متر میباشد (نقشه ۱ - و تصویر ۲۶ - ۱۹). دیوار احاطه کننده مذکور، تا حد عمارت (ی - ک) واضحاً بصورت مدور امتداد یافته که قطر آن به ۲۹ متر میرسد در حد عمارت (ل - م) استقامت خفیفی پیدا کرده و در حد (ل) گویا دیوار دیگری شروع شده که به رخ جنوبی معبد اتصال یافته است (تصویر ۱۰) جانب راست يك بریدگی مشاهده میرسد که در حقیقت جای مدخلی (دروازه) میباشد - عمارت بزرگ (ق) که مثل معبدی در نظر ما جلوه میکند (تصویر ۲۷ - ۱۱) از روی نقشه ساختمانی خود مسطیلی گفته میشود که رخ غربی آن کمی مدور است (تصویر ۲۸ - ۱۱) تہاب سنگی این بنا بکمال دقت تعمیر و سنگ کاری آن بصورت بسیار درستی بعمل آمده نشانه استرگیچی بر رخ جنوبی بنا هنوز مشاهده میرسد. حفریاتی که در وسط حصه فوقانی تعمیر (تصویر ۲۹ - ۲۲) بعمل آمده، سنگ کاری هائی را مکشوف ساخته که با تنظیم تمام روی هم قرار گرفته و در سنگ کاری خاکستر سفید و خاک آمیخته با خاکستر ذغال بکار رفته است. در پای معبد، نزد يك سطح زمین، استخوان های انسانی، تکه های چینه، بازو، توله پای بمقدار کثیر از زیر خاک بیرون آمده. در هر دو انتهای شرقی این معبد عمده، بصورت عمودی دو بنای بزرگی بلند شده (تصویر ۲۲) (ر - ش) که نقشه آن مسطیل و انتهای رخ شمالی و جنوبی آنها بقسم بریدگی خفیفی امتداد یافته است. اما چنان بنظر می آید که برآمدگی سمت شمالی بریدگی عمارت (ش) بعدها در اثر کدام ترمیم قطع شده خواهد بود. نقشه مخصوص و عجیب این الحاقیه ما را وادار میسازد که در باب تعیین مورد استعمال آن، از اظهار نظریه خود داری نمائیم. لیکن باوجود این تجارت نخواهد بود اگر تذکر بدهیم که این محوطه برای کدام مقصد مذهبی

ساخته شده بلکه در خود تمایل احساس میکنیم که بگوئیم محل مزبور برای اجتماع مادی اهل مذهب تعمیر یافته خواهد بود .



این سه حجره مستقل که در يك عمارت واحد بزیر يك بام هموار واقع بوده علاوه بر نام مذکور دالان های رواق داری را در بردارد ، مجموعاً يك عمارتی را تشکیل میدهد که ما میتوانیم از ناحیه مهندسی آنرا با عمارت دیگری مقایسه کرده ، خصوصیات بسیار دلچسپی را از آن استخراج نمائیم ، بطور مثال معبد کوچکی را که بسال ۱۹۲۰ نزدیک قریه (بهومارا) در ولایت (ناگود) به ۱۵۰ کیلومتری جنوب ضرب اله آباد هند (۱) کشف و اصلاً برای (سیوا) معبد هندوها ساخته شده است ، نمونه قرار میدهیم . این معبد که بقرار نظریه مستر آر . دی بنرجی ، در وسط قرن ۵ مسیحی بعقیده مستر جان مارشل ، در قرن هفتم میلادی تعمیر یافته ، يك نمونه مشخص مهندسی براهمانی سبک گوپتا بشمار میرود مستر بنرجی اظهار نظریه نموده است که معبد مزبور کاملاً شبیه معبد پرواتی ، (۲) است که بمقام « نشتا کوتهارا » در ولایت « اجی کاگره »

(۱) کتاب « معبد سیوا در بهومارا - خاطرات اداره عتیقه شناسی هندوستان » نمره ۱۶

طبع ککنه ۱۹۲۴ تألیف بنرجی R. D. Benerji, The temple of Siva at Bhumara. Memoir of the Archoeological Survey of India.

(۲) کتاب « راپورت هیئت عتیقه شناسی » تألیف کنگهام جلد ۱۱ صفحه ۹۵-۹۷

Cunningham, Archoeological Survey Reports

و دیگر کتاب « مجموعه راپورت ندریجی هیئت عتیقه شناسی هندوستان ، دائرة غریب بابت سالیکه در ۳۱ مارچ ۱۹۱۹ خاتمه یافته » صفحه ۶۰ - ۶۱ قرة ۲۶ تصویر ۱۵ . Annual Progress Report of the Archoeological Survey of India . همچنین بنائی « کماندی یلا و سان » واقع در جاوا که اصلاً از پیروان مذهب بودائی بوده اما نقاشی های آن باسم سیوانی (براهمانی) میباشد و شامل سه حجره ایست که از پهلوراه دارند ملاحظه شود کتساب آثار بودائی باتا و یا تألیف جی - ایل منز De tjandi mendet, tijdschrift von het Bataviaasch genostschap von kunsten en wetenschappen. J.L. Moens

دراغ کائی نزدیک هند هم يك حجره رواق دار کشف شده . (ضربات ژ - بارنو)

آثار عتیقه کوتل خیر خانه

(۱)

تقریباً ۶۰ کیلومتر شمال غرب قریه (بهومارا) وقوع دارد. تنها فرقی که مابین معبد نشا کوتها را و معبد بهومارا وجود دارد، اینست که اول الذکر دارای يك طبقه فوقانی بوده اما اخیر الذکر طبقه فوقانی ندارد و فقط دو عبادت خانه بسیار كوچك در دو طرف زینه آن که بر صحن زمین فرود می آید ساخته شده است. اما در هر دو معبد مذکور (عبادت گاه اصلی کربها کرها) از يك اطاق بسیار بزرگی محاط میباشد و فاصله بین دیوار داخلی شکل يك رواق مدور، پرا دا کسینا پاها دارد برای آنکه مقایسه ما خوبتر در نظر خواننده مجسم شده بتواند ابعاد هر سه معبد یعنی اول معبد نشا کوتها را دوم معبد بهومارا و سوم معبد کوتل خیر خانه (کابل) را نیز شرح میدهیم. این ابعاد عبارت از بزرگی يك حجره است.

ابعاد خارجی معابد

ابعاد داخلی

معبد نشا کوتها را (هند)	۲۵ متر مربع
بهومارا (هند)	۴۴۵ متر مربع
خیر خانه (کابل)	۴۰ متر مربع

ما میتوانیم که چندین معبد دیگر سبک گوپتارا نیز درین مقایسه داخل نمائیم بدون آنکه ابعاد و بزرگی آنها از ارقام فوق فرق زیادی بکنند. مقایسات ما - طوری که دیده شد - يك حجره را در بر میگردد ولی باید بخاطر گرفت که این قسم معابد سه حجره ثی در هندوستان کیاب نیست. چنانچه مستر برجی در شروع اطلاعی که نسبت به معبد بهومارا نوشته، از يك معبد سه حجره ثی دیگر سبک گوپتا که بنام دیو کونا، ولایت دچاسو، نزدیک بهومارا کشف شده، نیز ذکر نموده است (۱) مقایسه و ابعاد خیر خانه و معبد بهومارا تنها به قسمت مهندسی محدود نبوده، بلکه قسمت تصاویر و هیكل شناسی این دو بنا نیز نزدیکی عجیبی پیکد گردارد، که پس از مطالعه مفصل کشفیات عمده کوتل خیر خانه یعنی دسته مجسمه های مرمر سفید که رب النوع آراب و مصاحبین او را نشان می دهد، بدگر آن می پردازیم:

(۱) آر. بی. - برجی - کتاب قبل الذکر تصویر - ۱

رب النوع آفتاب بقم ارو پائی نشسته یعنی پاهایش از همدگر دور می باشد . دستهایش که از حد میچ ها شکسته بالای رانهایش تکیه دارد ، پاهای و رانها اگر ناته و کله مجسمه مقایسه کرده شود از اندازه طبیعی خیلی خورد تر بنظر می آید (۱) سر مجسمه به نهائی پنج يك تمام بدن آنرا تشکیل میدهد که تناسب بسیار غلطی را ارائه میکند (قاعده هیکل تراشی پولی کلت ۱ بر ۷ و قاعده هیکل تراشی لیزیب ۱ بر ۸) و کاملاً شبیه حالت مجسمه یو دای معجزه کبیر پیتا و . . (سمت شمال کابل است) که سابقاً در رقت مطالعه مزبور بر این حقیقت را تذکار نموده ایم (حفریات سال ۱۹۲۴) (۲)

چهره رب النوع آفتاب جزئیات مخصوصی را بنظر جلوه می دهد . اختلافی که در حلقه و چشمها یعنی استخوان زیر ابرو و جود داشته ، و حلقه مزبور مایل غیر طبیعی دارا میباشد ، پیشانی مجسمه را که از بالا بطرف پائین برجسته گئی دارد ، شکل مثلث نهائی بخشیده است . (تصویر ۲۰ - ۱۶) .

چشمان مجسمه که برآمده و همسطح سرواز هم خیلی دور واقع شده کاملاً با چشم بادامی و مطابقت میکند . بینی حمیدگی حقیقی دارد . دهن کشاد و خوش ساخت میباشد . زینخ صابع و خیلی برجسته بنظر میرسد (تصویر ۲۱ - ۱۶) . موها دراز و بواسطه يك خط وسطی بدو قسمت تقسیم شده و مرکب از صف صف زنگوله های مجعد کوتاهی است که به بسیار دقت طبقه بندی شده - زنگوله های روی هم ریخته قسمت بزرگ گوشها را مخفی نموده و فقط کساره گوش مکشوف میباشد که

(۱) بالاته و کله ۱۲۲٫۰ متر ، تنهاسر ۴۸٫۰ متر ، سر بین ۵۳٫۰ متر پایها ۷۴٫۰ متر
 بندی مصاحب دست راست ۱۲٫۰ متر - بندی مصاحب دست چپ ۱۰۰٫۰ متر - بندی مجموعی ۴۲٫۰ متر .

(۲) کتاب د عملیات هیئت عتیقه شناسی فرانسوی در افغانستان ، طبع توکیو ۱۹۳۳
 صفحه ۱۷ تالیف و - ها کن .

J. Hackin. L'oeuvre de la Délégation Archéologique française en
 Afghanistan, Tokio, 1933

آثار عتیقه کوتل خیرخانه (۱۳)

مزین با تزئینات سنگینی بنظر جلوه میکند. تاج رب النوع آفتاب پوشیده از يك فینه است که قسمتی از آن مزین با میدیها یا کنده های مطلای مستطیل شکل بود. میدیهای مزبور بوسیله پارچه های بار يك تیغ مانند فلزی از هم جدا شده است. هر دو طرف سر، در نقطه که تزئینات میدیهای مطلقا ختم میشود، فینه مزبور دو گره بزرگ تشکیل داده و در عقب سر بشکل سر پیچ تبدیل یافته و هر دو انتهای آن بمهارت تمام بزیر حصه سر پیچ مزبور دور داده شده گرهی را بوجود آورده و بطور عمودی بسمت پشت مجسمه افتاده است که در آنجا بواسطه چند چین خفیف تشخیص داده میشود (تصویر ۱۹ و ۱۵). تاج مزبور مرکب از مثلث يك مثلثا نیست که بعد از هر گل سدره (پیر) نیم شکفته تمبیه شده که پنج برگ آن بچشم دیده میشود. يك سلسله تزئینات سروارید که بشکل قوس های کوچک ساخته شده، اجزای مرکبه تاج را احاطه کرده است. بالاته بزرگ این مجسمه، ما بس به يك یلان (۱) بی یخه است که گردن آن را پوشانیده. قسمت کلی حصه تحتانی یلان مزبور بواسطه افتادگی شالیکه روی بازوی سر بی آفتاب افتاده، مخفی شده است. با وجود این، کساره یلان که عبارت از يك رشته سروارید است بچشم دیده میشود. در واقع برش این یلان با طرز برش لباس مصاحبین دو گانه که بدو طرف رب النوع آفتاب قرار دادند، یکی بوده تنها قسمت تحتانی آن ممتاز است که از روی آن مابین یلان رب النوع آفتاب و مصاحبین او فرق میتوان کرد. زیورات عبارت است از يك گلوبند مرکب از سروارید های درشت که در زیر آن يك حصه آویزه وجود داشته دو زنجیر از آن امتداد یافته و در نوك زنجیرها يك تبرك آویخته است. کنده ها یا میدیهای طلائی بزرگ مستطیل شکل که روی نگین دان متحرکی (که قابل فاش شدن) نصب شده، عموداً واقع و به گره بند وصل یافته و دو ردیف سروارید بهر دو حاشیه کنده های طلائی مزبور نصب گردیده است و بالاخره

(۱) اینکه یلان میگوئیم مثل یلان امروزه بلکه پیرامن در ازیش بسته بوده که روحانیون

حاشیه سروارید یکه نوك آستین یلان را زینت بخشیده ، و دوبازو بند سنگین ، زیورات مجلل رب النوع آفتاب را تکمیل نموده است . کمر بند که مزین به میخ های طلائی است در خالی گاه کمر جای دارد و نوکهای مدور و خمیده آن در يك حلقه بهم وصل شده . شال چنانکه گفتیم ، روی توله های دست افتاده و دامن یلان را مخفی ساخته است . پاپوشهای مجسمه سر بی آفتاب پاپوشهای امروزه اوز بکها و تراک آبیای وسطی را بخاطر خطور میدهد . پاپوش مزبور عبارت اردو پاپوشی است که یکی در بین دیگری جای دارد . پاپوش داخلی یا موزه از چرم نارك و بی کرمی بوده ، عیناً بمثل موزه مسیح مروجه امروز ، در پاپوش خارجی دیگری که کلف تر میبود داخل میشد و این پاپوش خارجی را در وقت داخل شدن در میان عمارات از پای خود میکشیدند . در مجسمه که تحت نظر ما است ، پاپوش داخلی یا موزه بواسطه يك بند میان خلی بر پشت پای محکم شده که بند مزبور فریمه يك حلقه کنده دار بهم وصل و نوکهای آن بدو طرف پاپوش خارجی آویخته است . باید یاد داشت گرفت که يك ردیف سروارید ، قسمت فوقانی پاپوش داخلی را احاطه کرد و همین تزئینات بشکل عمودی در قسمت وسطی پشت موزه که روی استخوان توله پای قرار دارد ، نیز ادامه یافته و تا نوك پنجه ها رسیده است .

هر دو مصاحب (۱) به يك وضعیت مخصوصی ایستاده اند (تصویر ۱۵) قسمت تحتانی جسم آنها در حد کمر کجی واضحی را نشان میدهد که از سبب تمایل مجسمه های مذکور میباشد یعنی مصاحب طرف راست ، بسمت راست و مصاحب طرف چپ بچپ خم شده اند . وزن جسم آنقدر بشدت بالای پای سمت خمیدگی افتاده که خمیده گی معاونین مزبور زیاده ار اندازه لزوم بنظر رسیده حتی سرهای شان نیز بشدت خم گشته است . برای فهمیدن مقایسه هائی که ذیلاً بعمل خواهد آمد ، باید همین وضعیت خمیدگی مخصوص معاونین موصوف را بخاطر گرفت .

معاون طرف راست موهای غلو دارد ، قتیله های با قاعده ریشش با ترتیب و انتظام

(۱) بلندی مصاحب دست راست ۱۷ ر. متر و بلندی مصاحب دست چپ ۱۰۵ ر. متر .

آثار عقبه کرتل خیرخانه (۵۱)

موی سر بیشتر شباهت میرساند ، در گندهارا (صفحات شرقی افغانستان تا شمال غرب هند) و آسیای مرکزی ، چنین هیاکل و آساور اشخاص وحشی بروقی وریش دار شبیه این نمونه خیلی فراوان است . در آسیای مرکزی قبیله های ریش را مطابق تزئیناتی می ساختند که اصلاً بوضوح از آن نمونه گندهاری تحریف شده بود که قبیله های آن خیلی کم بزیر قاعده آمده بود (۱) بینی مصاحب من یور کوپان دار و چشمانش بزرگ اما نسبت به چشمان رب النوع آفتاب ، کمتر از حدقه بر آمده بنظر می آید ، گوشواره های او ، مدور شکل و بایک ردیف مروارید حاشیه داده شده است . کلاه مخروطی شکلی بر سر دارد که پارچه دیگری در قسمت عقب آن امتداد یافته و برای پوشاندن پشت سر میباشد . برش مخصوص کلاه و کمانه مروارید دوزی آن ، به فته تاج رب النوع آفتاب شباهت زیاد میرساند ، بالا پوش کوچکی برشانه دارد که نوکهای آن بواسطه حلقه ، برسینه اش وصل است . بازوی راستش بهوا بلند و در است خود که انگشتان آن قات شده ، یک قسم چوب کوچکی را محکم گرفته که قسمت نوک آن اریب تراش یافته و در کف دستش چسبیده بنظر می رسد . دست چپ بطرف سینه برگشته و دران یک برگ مستطیل شکل دیده میشود . این شخص شلوار و موزه های ساده و بی زینتی را در بر دارد .

معاون طرف چپ ، ریش ندارد و موهای مجعد او شبیه موی سر رب النوع آفتاب میباشد ، کلاهش عبارت از یک کلاه گوش پوشک است که دودانه گل سدره (بر) تزئینات آن را تشکیل داده لباس این شخص بالباس مصاحب دست راست شباهت واضحی بهم میرساند . دست چپ او بر سپری تکیه دارد که حصه فوقانی آن مدور و حاوی زینتی است بشکل مربعیات پست و بلند . در دست راست خود ، نیزه کوتاهی را محکم

(۱) کتاب راپورت ابتدائی هیئت اعزامی روس در ترکستان ، اولد بورگک طبع

سن پترز بورگک ۱۹۱۴ صفحه ۱۰ شکل ۸ و ۹ .

گرفته که آهن خنجری نوك آن بالای يك تاوه مدور تریبی استوار شده و این تاوه مدور مزین بار گهائی است که آن را بشکل برگ جلوه میدهد .

این سه شخص (رب النوع آفتاب و هر دو مصاحب یا معاون او) بر يك صفة قرار گرفته اند که مزین است با سه خطیکه ذریعه سه رده (فرو رفته گی مستقیم) از هم جدا شده ، در حصه وسطی آن يك فرورفتگی حقیقی احداث شده که طول آن (۴ ر) متر و عمقش (۱ ر) متر میباشد درین فرورفته گی سر يك شخص دیگری قرار گرفته که چهره ساره و بی مودارد و از طرف مقابل نشان داده شده است . این شخص يك قسم کلاه دستار مانندی بر سر داشته تنها حصه بالای سینه اش که برهه است و بظن می رسد و چنان می نماید که گویا از حصه پیش روی يك گادی که بشکل منحرف نقش شده ، ظاهر شده باشد . شخص موصوف (۱) شلاقی را هوا بلند کرده و در دست چپش که مقابل تنه او قرار دارد ، حلوهائی را محکم گرفته که يك جوره است به آن مربوط بوده . اسپهای مذکور در حال رفتار بقسم نیم رخ بدو طرف را نده نشان داده شده است . در اینجا باید دانست که سرها و پاهای پیش اسپها بطرف کنج بامتناهیل بوده (تصویر ۱۸ ، ۱۵) گویا هیکل تراش خواسته است که از قسمت های زودشکن احتراز نموده باشد . قابل دقت اینست که اسپها این زده شده اما در گادی بسته نیده تند زین مرکب است از يك نشیمن گاه چونی (؟) بار و پوش چرمی که تزئینات مربع داشته باطراف آن مرعات کوچک کوچکی وجود دارد و این زین روی يك عرق گیر (عدی) قرار داده شده که مزین به يك ردیف مروارید (اسپ طرف راست) و کسبه های مستطیل نمائی است که در نوك های آن ها پارچه های الهاس نصب کرده اند (اسپ طرف چپ) . زین توسط يك شکم بند

(۱) قرار اساطیر بودائی گادی وان رسالوع آفتاب که در آروا ، نامورادر د گارودا ، میباشد اثر ولادت يك پسر پیش از وقت ، مورد توییح نادار خود واقع و پاهایش ریخته شده . و در هیکل آروا طوری که درین سای کوتل خیر حانه نشان داده شده بسیار طبیعی معلوم میشود و چنان میباید که پاهای را نده بواسطه پیش بر آمدگی گادی نمی شده است .

(تنگ) که تزئینات مربع دارد ریختن آب محکم و در عمق سه سدودم چنی جا بجا شده است جلوه (عنان) (۱) بوسیله یک دسته موی یا ریش یافته - پال ها بدف تمام بریده شده مانین ساغری اسپها يك جسم هشت رخ مشاهده مرسد که مقصود آن فهمیده میشود اگر نگوییم شکل معروف گادی يك چ حه (۲) باشد ، آسم چندان مقرون بقیاس بنظر می آید :



(شکل الف)

فصل دوم

ایک از معرفی و تشریح بای سگی مکتوبه از کوه جرخانه قایع شده . فرصت داریم - که از روی یک سلسله مقایسات احرا و عده صر ساری مر نور - تاریخ آن را بخود

(۱) جاو مزور ، عبارت از کتاب معمولی ، بلکه يك که ، مکمل است .

(۲) فصل ۱۲۵ کتاب « مستیا پورانا » صرف آخر ۳۸ روایت « نالینی کانا ،ها تا ساق

ایم - آ » کتاب « تصویر شناسی حجاری های بودائی و راههای در موریم د که » طبع د که ۱۹۲۹ صفحه ۱۶۱ - ۱۶۴ و بر دیده شود کتاب د عاره های سون هواك ، تالف « پول پلپو »

تصویر ۱۵۶ (تصویر يك گادی رب النوع آفتاب که يك چرخ دارد)

1 - Mastya-Purana, cite par Nalina Kanta Chhattasali M.A. Iconography Buddhist and Brahmanical Sculptures in the Decca Museum

2 P. Pelliot, Les grottes de Touen-Houang

معلوم نمائیم . اولتر از همه باید تذکار کنیم که طرز لباس رب النوع آفتاب برای ما مجهول نه بلکه از يك قسم معروف است . زیرا حجاریهای طاق بستان (در خاك ایران) که سه تن از سلاطین ساسانی یعنی شاهپور دوم (۳۰۹ - ۳۷۹ میلادی) اردشیر دوم (۳۷۹ - ۳۸۶ میلادی) و شاهپور سوم (۳۸۳ - ۳۸۸ میلادی) را نمایش می دهد سلاطین مزبور هم همین قسم لباس در بردارند . شاهپور دوم و شاهپور سوم در يك بنای واحد پهلوی هم نمایش داده شده اند (شکل الف) . اردشیر دوم روی يك سنگ در حضور ارمنزد رب النوع میترا (۱) بطور برجسته نقش شده که در آن حال ارمنزد برای شاه موصوف اراضی و املاک بخشش میدهد . پروفیسر هرزفلد مینویسد که لباس این اشخاص لباس قرن سوم نیست ؛ رخت درازی تا زانو پائین آمده اما بطرف راست و چپ بلند پریده طوریکه به پش دامنی مدوری شباهت بهم می رساند .

پروفیسر هرزفلد علاوه میکند که لباس طبیعی دوره دوم ساسانی همین لباس فوق بوده است . (۲) ما از طرف خود ، تصور نمیکنیم که یلان دراز مزبور از طرف راست و چپ بالا پریده باشد . هر گاه به بنای مکشوفه ارکوتل خیرخانه که از روی آن پش از هر قوس برجسته سنگی ، به آسانی جزئیات لباس را میتوان مشاهده کرد ، متوجه شویم ، ملاحظه خواهیم کرد که یلان به چنان شکل مخصوصی پریده شده است که حرکات سوار و پیاده هر دو در آن بکمال سهولت اجرا پذیر می باشد . چنان معلوم می شود که استعمال این قسم لباس به عهد سلطنت شاهپور دوم ، اردشیر دوم

(۱) کتاب « در آستانه آسیا » تألیف پروفیسر هرزفلد طبع برلین ۱۹۲۰ تصویر ۲۹ و ۳۲

مقاله هرزفلد در « مجله صنایع آسیائی » جلد سوم صفحه ۱۳۸ و ۱۳۹ و تصویر ۴۵ و کتاب « هفتمین سلطنت شرقی » تألیف جی - راولنسن صفحه ۲۶۱ .

(۲) « مجله صنایع آسیائی » از قلم هرزفلد - جلد سوم صفحه ۱۳۸ و ۱۳۹ .

1- Pr. Herzfeld-Am tor von asien.

Pr. Herzfeld (Revue des arts asiatiques).

G. Rawlinson, The seventh oriental monarchy.

2 - op. cit

وشاهپور سوم محدود بوده است (۱) (شکل دوم) در شکل منبر پور مشاهده میتوان کرد، که آستین یلان سلاطین موصوف بایک ردیف سروارید حاشیه داده شده. علاوه برین در سر و بر سلاطین موصوف بسا زیورات دیگر به مشاهده میرسد: یک گلوبند سروارید و بند های زیاد منبرین یا میخهایی که بکمر بند کشادی مربوط شده و کمر بند منبر پور ارکمر بتهك کوچک دیگری بوضوح تشخیص داده می شود. رب النوع آفتاب که از کوتل خیرخانه کشف شده، فقط یک کمر بند دارد. بطوریکه بند های منبرین بر میخها یا کند هاخیلی پائین تر قرار گرفته اما اساس بند و بست کمر بند یکی است. موزه خانه «ارمی ناژ» لیتنگراد، بسا اسناد مقایسه بدست ما میدهد (۲): در موزه خانه منبر پور دو ظرف نقره ئی وجود دارد که نمونه های زرگری ساسانی بشمار رفته بر این ظروف صحنه های شکار بکمال دقت نقش شده است. در یکی از این صحنه ها شخص شخیصیکه بدن پلنگی را بواسطه خنجر خود شکاف کرده (شکل ب) و یا گورم خری را اسیر گرفته شاهپور سوم (۳۸۳ - ۳۸۸ مسیحی) میباشد. شاه موصوف لباس دامن گردی در بردارد. آنچه قابل ملاحظه میباشد اینست که دامن مدور لباسش رایک ردیف سروارید حاشیه داده است (مثل لباس رب النوع آفتاب مکشوفه از کوتل خیرخانه تصویر ۱۴). همین قسم تزئینات در نوك آستین ها و حصه وسطی پای ارتوك پنجه تا

(۱) بر یکی از ظروف موزه آرمیاری لیتنگراد، خسرو و شویروان (شکل ز) در حال سکون بر فراز تختی که اسپهای بالدار آن را برداشته است، نشان داده شده و در بار یانش اطراف او ایستاده و خود شاه پیش دامنی دراز رخ تری در بردارد. کتاب «زرگری ساسانی اشیای طلا و نقره و برنج» تألیف ژ. اوربلی و - سی - تری و - طبع لیتنگراد ۱۹۲۵ تصویر ۱۳.

3 - J. Orbeli-et-C-Trever : Orfèvreries Sassanide, objets en or argent et bronze. (Academia)

(۲) کتاب زرگری ساسانی تألیف ر. اوربلی و - سی - تری و - (قبل الذکر) تصویر ۷ و ۸.

آخر ران (۱) وجود دارد (۲) (شکل ب) . يك وسیله دیگر برای مقایسه در دست است که تا کنون ازان استمداد ننموده ایم و آن طرز ساختن کلاه میباشد . کلاهیکه



(شکل ب)

(۱) همین قسم تزیینت بریک تکه محسمه موجوده در «موره حاة آثار عتیقه شرق قدیم» استامبول
میر مشاهده مرشد (نای و حصه ران راست مجسمه) که این مجسمه در حقیقت يك شاهزاده سیاهی
مش آتوری را نشان میدهد (تقریباً قرن سوم میلادی) . در آثار قدیمه بالمیر (سوریه) رشته
کناره دوری شده عمودی که در حصه وسطی شلوار از بالا تا پایین امتداد یافته ، اکثرآ با
مروارید های فراوان مزین میباشد که شلوار دو یاد شاه مع اولیکه روی یسکی از حاتم
کنارپای «سان آپولی باره ووو» مقام «راون» (ایتالیا) نقش یافته ، بر همین قسم تزیین شده است و هم
آیدرش حصه تجلی یلان را آباد داشت گرفت کتاب Hausenstein. Kunstgeschichte
تالیف «هوسستن» صفحه ۸۴ . (۲) « رساله سکه شناسی شرقی » تالیف ژ . مورگان حصه دوم
صفحه ۳۱۵ - « رساله مسکوکات یونانی و رومی » اثر مالون که ژ . مورگان حصه سوم آن تحت
عنوان « مسکوکات شرقی » مصحوبی نوشته جلد اول حصه سوم ، تصویر ۵۹ .

J. de Morgan: Manuel des numismatiques orientales

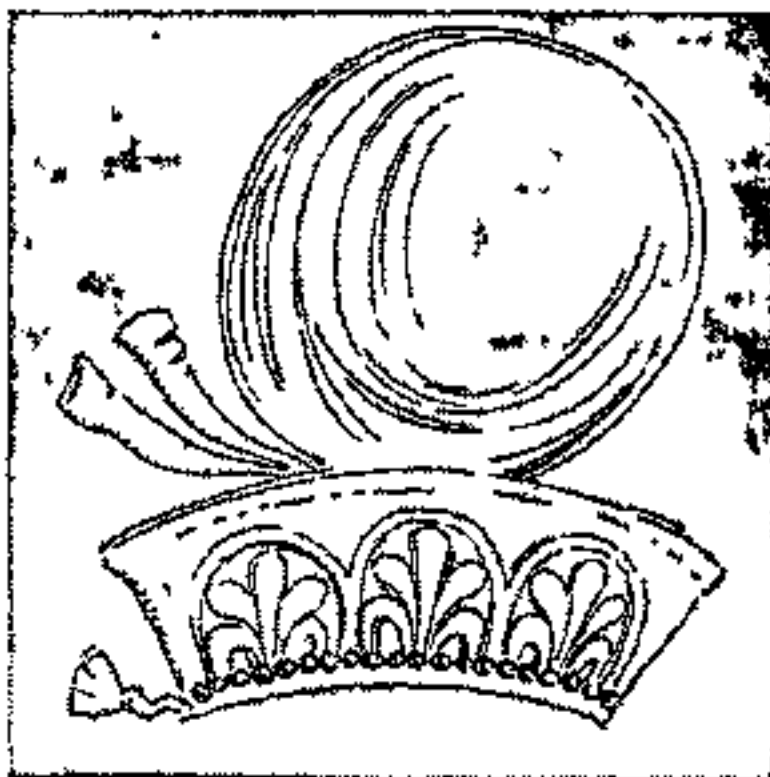


درب النوع آفتاب مکتوبه از کوتل خیر شاه (از روی قالب گیری موره گمه پاریس)



سورما، رب النوع آفتاب از سنگ حراری ماشورا (کلکسون ای - راول)

برسر شاهپور سوم است، از کلاه هائی که اسلاف و اخلافتن مپوشیده و در حقیقت باهم دیگر فقط بواسطه بعضی جزئیات ساختنی تفاوت داشت، کاملاً ورفی دارد (شکل ح). کلاه موصوف عبارت از تاج همواری است که حاشیه آن ماگلهای کوچك كوچكى ریخته یافته (۱). پروفیسر هر فلد تاج مزبور را رسم کرده (۲) که اینک ما در اینجا عین همان رسم را نقل میکنیم (شکل ح). گلهای کلاه دارای پنج رگ است که در میان قوسها ترسیم یافته است. تاج رب النوع آفتاب که از کوتل خیرحانه بدست آمده نیز مثل ماگلهای پنج رگی میباشد و همچنین بسا تریات تاج هر دو شی که موضوع مقایسه ما است بهم نزدیکی میرساند تا حدی مد کوهی تاج شاه



(مکشوفه ارطاق بستان) و تاج رب النوع آفتاب (مکشوفه از کوتل خیرحانه) تنها از رنگدانه تریات خود باهم مشابه نیست بلکه از روی شکل نیز خیلی نزدیک هم معلوم میشوند. تنها تاج رب النوع آفتاب از تاج شاه ساسان قدیمی خود تر میباشد. مقایساتی که به نسبت س و کلاه آثار مکشوفه نمودیم. چنان سگائی را بدست داده که از روی آن

(شکل ح)

تاریخ آثار مزبور خیلی بهم نزدیک معلوم میشود ما میدانیم که لباس دامن گرد در عهد سلطنت شاهپور دوم اردشیر دوم و شاهپور سوم یعنی از ۳۰۹ تا ۳۸۸ میلادی مروج

(۱) کتاب Am tor von Asien اثر پروفیسر هر فلد صفحه ۶۱ شکل ۱۴

(۲) ملاحظه حاشیه ندره (۲) در صفحه ۱۲ همین کتاب.

تاج مدور گلداز مخصوص شاهپور سوم (۳۸۳-۳۸۸ میلادی) بوده است .
 بیفائده نخواهد بود اگر تذکر بدیهیم که مسکوکات شاهپور دوم و اخلاف او
 مخصوصاً در منطقه کابل بکثرت یافت میشود درینجا باید تذکر نمود که ذخیره مسکوکات
 نقرئی که بواسطه موسیو (ژان کارل در ضمن حفريات « تپه مرانجان » (۱۹۳۳)
 (در دو کیلومتری شرق کابل) کشف شده مشتمل است بر مسکوکات عهد شاهپور دوم
 (۳۳۸ قطعه) وارد شیر دوم (۱۴ قطعه) و شاهپور سوم (۲ قطعه) . این سه پادشاه
 بلافاصله پیش از هجوم تیاہ کننده بجاہ های سفید ، یعنی قرن پنجم عهد مسیحی) در ایران
 سلطنت کرده اند .

فصل سوم

در شروع این کتاب وقتی که نسبت به شخص عمده وسطی مجسمه سه نفری مکشوفه
 از کوتل خیر خانه تشریحات دادیم ، اشاره مختصری بسوی مقام عظمت او که منسوب
 به آفتاب است ، نمودیم . اکنون باید درین باره تفصیلات لازم را داده ، ادعای خویش را
 باثبات برسانیم . اثبات این ادعا بقدری آسان و ساده است که بجز از ارائه شهادت صریح
 و واضح کتب معتبره و تقویة آن بواسطه آثار مکشوفه شناخته شده ، دیگر کار وزحمتی
 لازم نمیشد . بنا بران اینک باز امداد متقابلیکه همیشه کتب و ابنیه برای یکدیگر خود
 تهیه میکنند ، بطرفداری ما وارد بحث میشود .

کتب مهمه مذهبی هند از قبیل « امسوهی داگاما » (۱) و « برهات سامهی تا » بطور

(۱) کتاب « عناصر تصویر شناسی هند و « اثر گوپی ناتاراتو - جلد اول حصه دوم
 صفحه ۳۰۶ - ۳۰۷ . Gopinata Rao: Elements of Hindu Iconography .

متفق علیه تذکر میدهند که « رب النوع آفتاب لباسی مطابق رسم و رواج شمال هند در بر کرده دودانه گل سدره (پیر) را بدستهای خود میگرفت » - کتاب « امسوهی داگاما » (۱) تذکر می دهد که « دستهایش بایستی طوری باشد ، بیود که میچهای آن که حامل گاهای سدره بود ، محاذی شان هایش واقع میشد » (۲) و وضعیت نوك دستهای شخص وسطی مجسمه با نقری کونل خیر خانه (که اکنون از حد بند های دست شکسته) نشان می دهد که در سابق عیناً همان وضعیت مشروحاً کتب قدیمه فوق را داشته است .

تشریحاتی که در کتب فوق الذکر راجع به مصاحین رب النوع آفتاب قید شده ، از بس واضح و دقیق است ، معرفی شخص وسطی یعنی رب النوع آفتاب را تصدیق مینماید برای این مقصد يك قسمت از تفصیلات مشخص کتاب « متسیاپورا نا » را ملاحظه مینمائیم (۳) :-

« بطرف راست سیور یا (رب النوع آفتاب) باید چهره خوشنمای (دندا) و بطرف چپ صورت تیره رنگ (پنگالا) نمایش داده شود . و هر دو نفر مطابق رسم و رواج شمال هند ملبس و پنگالا يك برگ خرمای و يك نی قلم را در دست خود گرفته باشد » - کتاب « بهاویز یا پورانا » هم تفصیلاتی چند نسبت به مصاحین رب النوع آفتاب داده است :- « اس وینی دی واتا ، ها (یعنی مصاحین نیز در دو طرف سیور یا) یعنی رب النوع آفتاب) نمایش داده شده میتواند و باطرف راست (سوریا) (پنگالا) سمت چپ او ، (دندا) را میتوان دید که در دست اول الذکر يك دوات و يك قلم نی و در دست

(۱) رب النوع آفتاب که در نزد « ای راوال » وجود دارد (مدرسه مبنهورا) يك تصویر بسیار عالی را ارائه میکند که تشریحات فوق الذکر را زنده و مجسم میسازد (تصویر ۲۴) ماژرموسیوای و اوال که اجازه داده اند ، تصویر این آبدیه نشر شده شان را در نتیجا نشر نمائیم صمیمانه اظهار تشکر میکنیم . « ز - ها کن »

(۲) مجموعه « وانگاواشی » صفحه - ۱۷۵ . Edition Vangavasi .

(۳) کتاب « عناصر تصویر شناسی هندو » اثر گوپی ناتھاراتو - جلد اول حصه دوم صفحه

۳۰۶ - ۳۰۹ - ترجمه انگلیسی کتاب « متسیاپورا نا » در رساله « کتب مقدس هندوها »

نشر شده است . جلد ۱۷ Sacred Books of the Hindus

ثانی الذکر یک دنده (چوب کوتاه و کلفت) میباشد. ارباب انواع موث «راجتی» و «نیکو» بهاء نیز باید بد و طرف سیور یا قرار داشته باشند، پس هر دو نفر یک در کتب قدیم بنام پنگالا، رند یاد شده اند، یکی بشکل منشی و دیگر بشکل مرد جنگی معلوم میشوند.



شکل (د)

در باره پنگالا گفته شده که ممکن ریش دار باشد (۱) و اقامت همین شخص

(۱) بعضاً پنگالا بشکل (و پداهتا) یعنی براهمانا پیش داده شده (متسیاپورا تا فصل ۱۰۰). این تفصیلات بر اساس تشریحاتی که در کتاب «بهاویژا یا پورا» درج است، نیز تأیید شده و متن تشریحات من و او قرار ذیل است. «منهای برهن پیروسیور یا» عادت ریش ماندن را دارند زیرا براهما که برگادی آفتاب نشان داده شده و خود رب النوع هر دو ریش دار میباشند» کتاب «تصویر شناسی حجازیهای» دانش و راهمانی مؤزیم «ک» «دک» ۱۹۲۹ صفحه ۱۶۴ تألیف نالینی کانتاها ناسالی.

آثار عتیقه کوتل خیرخانه (۲۵)

در مجسمه کوتل خیرخانه ریش دار نشان داده شده (شکل ۱۴) گاهی شخص مزبور را رب النوع (آگنی) گفته اند زیرا اوهم ریش دار و قدری شکم بزرگ بوده است . (دندا) را بسبب وضعیت سپاهی مادرش ، اغلباً (سکاندا) رئیس فوج مذهبی تصور کرده اند . اما بطور قطع این تصورات پسان تر بوجود آمده است . وانگهی ما میتوانیم که در موقع جستجوی منشأ و مبدأ مصاحبین رب النوع آفتاب ، بار دیگر باین موضوع برگشته آن را مطالعه نماییم .

هر گاه به سوی ابنیه تصویری ، متوجه شویم ملاحظه مینماییم که یکی از قدیمیترین مجسمه های رب النوع آفتاب هند ، روی پایه کتاره بدھ گایا (۱)

(۱) پایه ۶۴ متعلق به مهابلی خانواده سنگا ، بوده است (قرن اول قبل از میلاد) که در کتاره مزبور جا داشته است ملاحظه شود کتاب « حجاری بدھ گایا متعلق کلاکسیون آرس آسیاتیکا ۱۸ ، ۱۹۳۵ صفحه ۲۴ و تصویر ۳۳ ، La Sculpture de Budhgaya , Ars Asiatica رب النوع آفتاب بهاجا (۱۲۷ کیلومتر جنوب شرق بمبئی) برگزیده نشسته که چهار اسپ آن را کش میکند دو نفر زن بالای سرش ایستاده که یکی چتری و دیگری چوری (مگس پران) را در دست دارد ، آنکه کتاره را برداشته دیوی است که از قرار معلوم (راهو) میباشد . در کنار (اکتا گفا) نزدیک (خاندا زیری) در ولایت اوریسه (هند) در سر دروازه در آمده رب النوع آفتاب نمایش داده شده که « زیر چتری نشسته و مراد را که چهار اسپ کش میکند ، میراند . با طرافش ، هر دو زنش (سمجنا) و (شایا) قرار گرفته اند ، اول الذکر بطرف راست و ثانی الذکر بطرف چپ . سمت چپ شایا (سایه) هلالی وجود دارد که بالای آن ستاره گان دیده میشود . و بطرف راست سمجنا یک گل سدره خوش ساخت وجود دارد که یقیناً آفتاب را نمایش می دهد . در نوک زیرین طرف راست ، دیو چاقی موجود است که البته (راهو) میباشد و در دست راستش یک شو بجهول و در دست چپش یک ظرف جهنده را محکم گرفته (پیروان مذهب بودای عامل خسوف و کسوف همین دیورامی دانند) اسپها و دیو که بطرف راست واقع بودند ، مقفود شده اند ، از « فهرست ابنیه قدیم که بموجب ماده هفتم تاریخی ۱۹۰۴ در ولایت بهارو آوریه حفظ شده ، شبه عتیقه شناسی هندوستان ، سلسله جدید امپراطوری جاد ۵۱ کلکته ۱۹۳۱ صفحه ۲۷۳ از مرادوی حمید قریشی ، طوریکه دیده میشود هیچیکی از این ابنیه قدیم وجود پنگالا (منشی ریش دار) و دندا (سرد جنگی) را نشان نمیدهد .

L. Maulawi Mohammad Hamid Kuraishi A.A. - list of ancients

Monuments protected Under Act VII of 1904

نشان داده شده رب النوع « نورانی » هاله دار ، بزیر يك ساتا (چته) و برگادی سوار شده که بچهاراسپ بسته است . بطرف راست و چپ ، بالای گادی ، چندین نفر زن قرار گرفته که تصور میشود زندهای رب النوع مذکور باشند و این زنها از گانهای کشیده خود ، تبر هائی را بر تاب میکنند که بقسم شعاع جلو مینمایند (۱) .

مقام « ماتهورا » (۲) (قرن اول میلادی) رب النوع آفتاب تنها بريك هراده که بچهاراسپ دو تنده بسته است ، نمایش داده شده باید تذکر داد که دو اسپ پیش روی اسپهای عقب را تقریباً بیکلی مخفی کرده . و گویا مابین این وضعیت و وضعیتی که اسپها کاملاً از صحنه معدوم و پنهان شوند ، زیاده از يك قدم فاصله باقی نیست . از اینجاست که در يك ظرف کوچک قرن دوم یا سوم عهد مسیحی ، که عبارت از قدح ادویه معطر و از سنگ صابون آبی رنگ است (۳) فقط دو اسپ مشاهده میرسد و این ظرف در سال ۱۹۲۴ بواسطه پروفیسر هرزفلد کشف شده (نزدیک جلال آباد) (تصویر ۳۱ ، ۳۳) رب النوع آفتاب و گادی و اسپهای آن که درین قدح نقش شده ، نقش مذکور بسیار تزیینی بوده ، جزئیات قطعاً نشان داده نشده است .

(۱) کتاب سابق الذکر تألیف ا - ک - کوهراس و بیسی صفحه ۱۴ .

(۲) کتاب « حجاری ماتهورا کلمبکسیون آرس آسیاتیکا » تألیف ف . و وول جلد ۱۵ پاریس ۱۹۳۰ تصویر ۱۴۸ الف . Ph. Vogel : La sculpture de Mathura .
Ars Asiatica

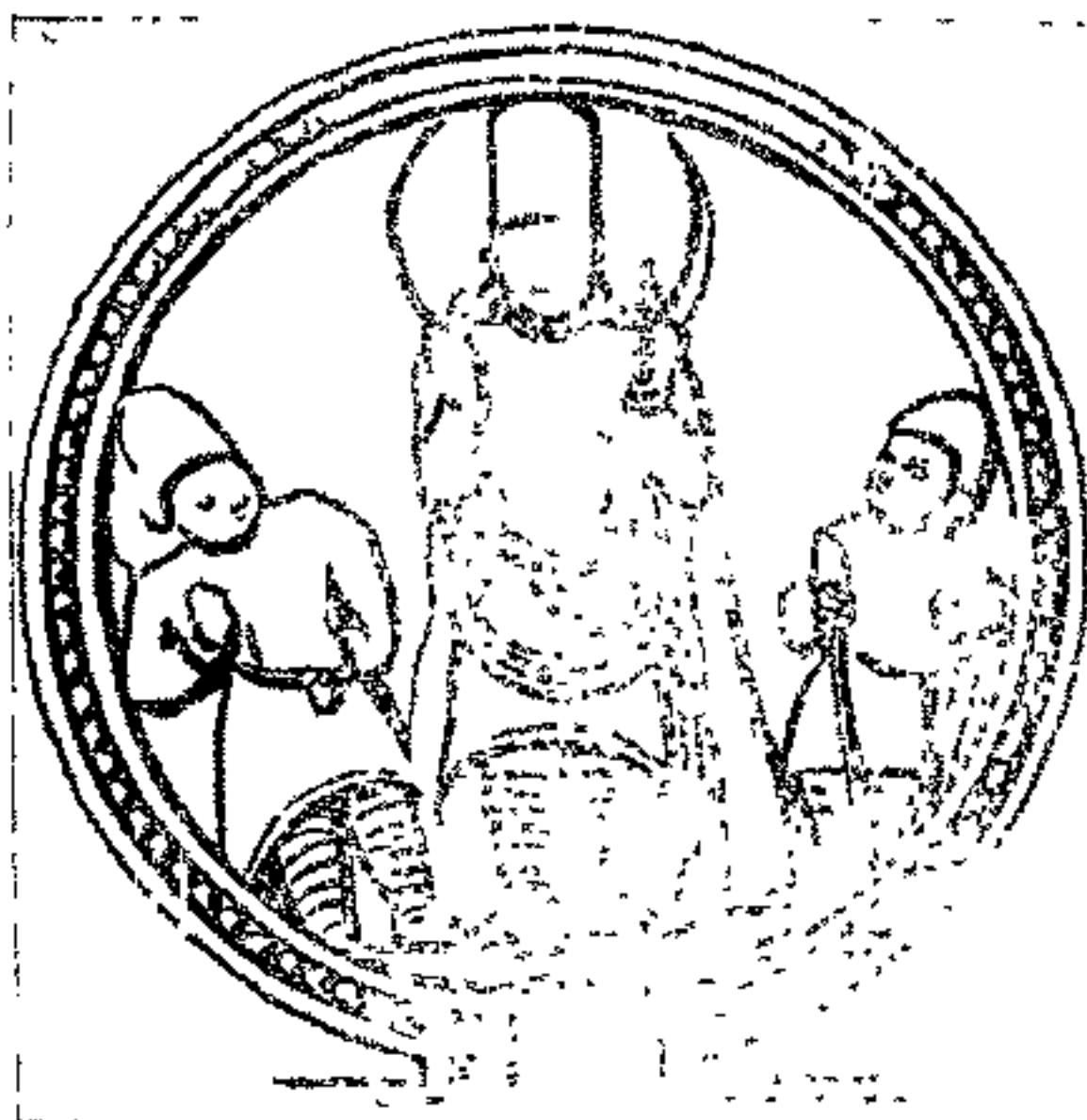
(۳) کتاب E. Herzfeld : Die Sasaniden et Quadrige Solis et Lunae archeologische Mitteilungen aus Iran

تألیف پروفیسر هرزفلد ماه جولائی ۱۹۳۰ صفحه ۲۸ - ۱۴۱ این شی درجته اشپای موزه خانه کیمه فرانسه داخل شده است . دسته موزه خانه کیمه (نمره ۵۸ G) که موسیو فوشه تحت عنوان 1- A. G. B. G صفحه ۲۰۶ شکل ۸۳ نشر کرده . رب النوع « پتابعیباشد و شاخهای هلال بر است و چپ شاه ها بوضوح نمودار است .

(۲۷)

آثار عتیقه کوتل خیر خانه

موسیوف ، دوژل بك مجسمه دیگری را نیز در بن ردیف قرار داده که شخص نشسته را نشان میدهد و این شخص ه يك خنجر بدست راست و بدست چپ يك شی را دارد که گمان می رود يك پندك گل سدره باشد . لباسش که عبارت از يك پلان کناره



شكر (ه)

دوری شده و مورد های بزرگ است ، مجسمه های نام کوشاه را یاد مید هد که ما در ضمن همین تحقیقات خود ، تشریح نموده ایم . بر خلاف وضعیت او به وضعیت رب النوع آفتاب بیشتر شباهت دارد . در بن مسماه هیچ جای شك و شبهه نیست که نمونه رب النوع آفتاب ، که در کتب تصویر شاهی راهبانی دیده میشود ، از همین مجسمه های شاهان

تحریر شده است . ، (۱) در جمله این چهار شی ، که به آن اشاره کردیم سه تای آن رب النوع آفتاب را تنها نشان می دهد . فقط بر پایه ۶۴ بدنه گایا (قرن اول قبل از میلاد) دو تازن در حال کشیدن کمان نمایش داده شده است . بخاطر بگیریم که این دو مصاحبه از چنان يك عنصر تصویر شناسی نمایندگی میکنند که قدیمی و اصلاً هندی بوده و از روی تاریخ پیش از زمان پیدایش مصاحبین مردانه فوق الذکر بدو طرف رب النوع آفتاب ، می باشد (یعنی شخص ریش دار ، پنگالا ، و شخص جنگی « دندا ») همین دو وزن تیر انداز ، در یکی از حجاری های نیم برجسته عصر « کوپنا » (۴ قرن قبل از میلاد) که از مقام « گار ه و ا » (۲) کشف شده نیز مشاهده می رسد . اما در قریه بهومارا (قرن ۵ و ۶ بعد از میلاد) (۳) زنان تیر انداز وجود نداشته بعوض در دو طرف رب النوع آفتاب پنگالا و دندا دیده می شود رب النوع آفتاب ایستاده و اطراف سرش را هاله نور احاطه کرده ، کلاه لوله شکل لشم و بلندی بر سر ویلان دراری در بر دارد که در حد کمر بوا سطح کر بندی تنگ بر بدنش چسبیده است . طرز برش لباس بهیچوجه شباهتی بایلان های رب النوع آفتاب مکشوفه از کوتل خیرخانه و مصاحبین او بهم نمی رسد (شکل و - و تصویر ۱۴) . در آثار بهومارا

(۱) کتاب ساق الذکر تالیف ف - و وژل تصویر ب ۲۴ .

(۲) کتاب « حجاری عصر گوینای هندی V. A. Smith: Indian sculpture of the Gupta Period , Ostasiatische Zeitschrift تالیف وی - ۱ - سمت سوم ، صفحه ۱۳ تصویر ۷ و - کتاب « تصویرشناسی سیوریا رب النوع آفتاب و کمانه را رب النوع مهتاب در هند ، آسان و زمین » تالیف کومباز چاپ پاریس ۱۹۳۴ صفحه ۶ چاپ مخصوص G. Combaz: Iconographie de Surya , dieu solaire. et de Candra dieu lunaire , dans l'Inde , Ciel et Terre

(۳) دیده شود تشریحاتی که راجع به معبد بهومارا داده شده صفحه ۶ همین کتاب - و نیز ملاحظه شود کتاب « معبد سیوا در بهومارا - یادداشت های هیئت عتیقه شناسی هندوستان » تالیف آ - دی - برچی نمره ۱۶ صفحه ۴ و ما بعد .

که اکنون تحت مطالعه ما میباشد ، کناره های زیرین یلان طوری بالا رده شده که يك فرورفتگی واضحی را بوجود آورده است (۱) يك بشقاب آقره که در موزه خانه ار میتاز



(شکل ۱)

است که شکل مخصوص طرح شده (شکل ۲) مربی آفتاب هومار او و صاحبین او ، موزه هائی بریای خود دارند که چین های افقی بران افتاده و همین چین های موزه در یکی از محله های مرمری مکشوفه از کوتل خیرخانه نیز بملاحظه میرسد (شکل ۱۳) صاحب طرف چپ رب النوع آفتاب هومارا (ددا) کلاه نوك تیزی بر سر دارد که در عقب آن يك قسمت که

لینتگراد وجود دارد (۲) دارای نژیانات بر حسته است که حسر و نوشیروان (۵۳۱ - ۵۷۸ میلادی) را در وسط دربار بانش نشان می دهد . این بشقاب تاریخی نیز از رهگذر دریافتی اباس که در آن نکمال حوی داده شده است ، صاحب قیمت دارد برای مقایسه بدست می دهد . شخص شاه که بر تخت نشسته یلان پیش دامی مده در ار رچی در بردارد . و در بار بانش ناچیان یلان کشالی ملس میباشد که یلان رب النوع آفتاب مکشوفه از معدیه هومارا و صاحبین رب النوع موصوف را بخاطر می آورد . یلان های در ماریان انوشیروان صرین با کساره فته می

(۱) راجع به این یلان که حاشیه زیرین آن قوسی میباشد کتاب موسبو فوشه G.B.G.A

شکل ۳۴۶ - ۳۵۳ و غیره ملاحظه شود ، (۲) کتاب سابق الذکر تالیف اورلی وتری ورنسور ۱۳

نخستین پس سر را می پوشاند نیز موجود است. در دست راستش يك نيزه و آرنج چپ خود را
 بزرگ سپر تنگيه داده (شکل ه) وضعیت این شخص در این حالیکه کمتر اجباری و ساختگی
 معلوم میشود، باز هم خیلی نزدیک به وضعیت خمیده رب النوع آفتاب کوتل خیرخانه، میباشد
 (مقایسه شود شکل ه و شکل و) اعضای مصاحب طرف راست، دسته مجسمه های سومارا



شکل (ز)

شکسته معلوم میشود، اما تا جائیکه از وضعیت دست و توله دست آن حدس میتوان زد گویا
 شخص مذکور بتند مصاحب دست راست رب النوع آفتاب مکشوفه از کوتل خیرخانه یعنی پنگالای

درش دار، بدست راست خویش يك قلم فی داشته است لباس و کلاه مصاحب راست رب النوع آفتاب
 بهو ما را عیناً مثل لباس و کلاه مصاحب طرف چپ میباشد ، اما وضعیت شان کمی از یکدیگر
 فرق دارد یعنی وزن جسم مصاحب دست چپ بهاند مصاحب دست راست بر همان پائوی



(شکل ح)

که بان طرف خم شده ، نیفتاده بلکه برخلاف مقررات قوانین موازنه - تنه کاملاً بطرف
 راست خم گردیده است . بهر حال - ما باید در نظر بگیریم که مجسمه بهو ما را باستانی
 بیژنیات لباس بوضوح با مجسمه کوتل خیرخانه شباهت دارد . وضعیت مصاحبین موصوفه
 وضعیت خمیده مصاحبین رب النوع کوتل خیرخانه را بخاطر خطور می دهد - اما شکل خیره

و محو شده . این انبیه که از روی حالات خود - با هم خیلی نزدیک هستند - بایستی از روی تاریخ نیز از یکدیگر چندان دوری نداشته باشند . فوقاً دلائلیکه ما را وادار میسازد که بنای سنگی کوتل خیر خانه را مربوط به قرن پنجم عهد مسیح بدانیم - تذکار گردید . اکنون انبیهٔ بهو ما را میتوان از روی تاریخ قدری بعد تر و متعلق قرن ششم دانسته ایقان نمود که در بن این دو قسم انبیه بمرور زمان بعضی روابط پیدا شده خواهد بود . هرگاه تحقیقات مقایسوی خود را ادامه داده ، آثار تصویری بعد نری را بر - مقایسات خویش دخیل بسازیم ، ملاحظه میسائیم که این نمونه سادهٔ محسوسه سه - رب النوع آفتاب و دو مصاحبهٔ زنانهٔ او یا رب النوع آفتاب و دو مصاحبهٔ مردانهٔ آن ، پیچیده شده ، رفته ، حواشی زیادی پیدا میکنند . آنچه را اولتر از همه تذکر دهیم عبارت از آمیزش هر دو نمونه است .

الف) رب النوع آفتاب و دو مصاحبهٔ زنانه (نمونهٔ قدیمی بده گایا ، قرن اول قیل از میلاد) .

ب) رب النوع آفتاب و دو مصاحبهٔ مردانهٔ ۱ خیر خانه قرن پنجم مسیحی روم . (قرن پنجم و ششم مسیحی) - يك مثال برجستهٔ از اختلاط این دو نمونه در یکی از حجار یهای مکشوفه از ولایت شمبا (۱) (ریاست تابع کشمیر بشمال کانگرا) . ملاحظه میرسد (تقریباً قرن هشتم مسیحی) (شکل ح) . وضع این شخص عمدتاً یعنی رب النوع آفتاب که را نهایش بقسم فراخ قرار گرفته ، وضعیت مرئی آفتاب کوتل خیرخانه را بوضوح بیاد میدهد . اما اطرافیش نسبت به اطرافیان رب النوع آفتاب کوتل خیرخانه زیاد تر است . با وجود بکه اکثر اعضای این بنا شکسته است ، باز هم مصاحبهٔ دست چپ (دند) را میتوان تشخیص داد . یعنی

(۱) کتاب « تعاویذ مندی » تالیف برن داوان ، سی - بهاتا گاریا طبع کلکته

و شماره ۱۹۲۱ حصهٔ اول تصویر ۱۰۰ Brihavan: C. Bhattacharya, Indian Images.





۲۲ - جراحیهای تنگی و تنگه های نظروفستالی



شکل (ط)

زینکه کمان را بالای سر دندا در حالت پرواز کش میکند شبیه است با حصه راست بنا که خراب شده ، و شامل محلی بوده که پنگالا و زینکه بالای سرش کمان را کش کرده نیردر حال پرواز میبود، دران وقوع داشته اند . (آرونا) را ننده گادی (۱) برادر (کارودا) ، که در بنای سنگی کواتل خیرخانه کمال و ضوح دیده میشود در بنای شمبا حلی معیوب بنظر میرسد در گادی رب النوع آفتاب هفت اسب بسته است پس از این قرار بنای حجاری برجسته مکشوفه از ولایت شمبای هند . (مربوط بقرن ۸ میلادی) احتلاط واضح هر دو نمونه یعنی رب النوع آفتاب بادو مصاحب مرد و رب النوع آفتاب بادو مصاحبه زن . را نشان میدهد و الحاقیه دو شخصیکه بالای سر پنگال ودندا بحال پرواز وجود دارد . اضافه میباشد . هرگاه اینیه هیکل دار ادوار بعدتر را ملاحظه کنیم . مثلاً يك لوح سنگ قرن ۱۱ مسیحی که مقام را مباله کشف

(۱) کتاب د اشکال شناسی حجاریهای بودائی و بر امانی در موزه خانه د که تالیف فابینی کاتابها تاسالی - چاپ دکه ۱۹۲۹ تصویر ۶۱ .

واکنون در فرنگی باره (۱) گذاشته شده (شکل ۱) مشاهده خواهیم کرد که نمونه مذکور کاملاً هندی شده اما باز هم رب النوع آفتاب و مصاحبین او که تقریباً برهنه میباشند، هنوز هم موزه هر پای خود دارند (۱) وضعیت خمیدگی شدید پنگالا و دندان، به يك خمیدگی بسیار حقیقت تبدیل یافته است. رنهایی را که کهان کش کرده در دست دارند از بس خوردن نشان داده شده اند، زحمت میتوان دید، ز نهای رب النوع آفتاب نیز نشان داده شده و در زیر پای اشخاص عمده یازده نفر (روی تپاها) مشاهده میسرند. بعضی اینها دیگر از لحاظ هیاکل الحاقه ر یا، خود، از این کرده هم سنگین تر معلوم میشود. تنه مصاحبین (پنگالا و ربا) بتدریج بزرگ شده رفته (رب النوع آفتاب مقام سورا را نگه) (۲) در آخر وضعیت عمودی محاذی انداز وجود پیدا کرده رب النوع آفتاب مقام راجه (۳) رب النوع آفتاب و مصاحبین او، همیشه موزه در پای دارند و همین کیفیت یگانه خاطره شمالی است که تا هنوز سنگ تراشان شمالی شرقی هند آن را حفظ کرده اند. این تحقیق سریع بنا موقع داده که يك کیفیت بسیار دلچسپی را پیش نظر مجسم نمائیم و آن عبارت است از قبول دو شخص دیگر در اطراف سیور یا یعنی رب النوع آفتاب هند پراهمانی که این در شخص در اینه هندی قرن اول قبل از میلاد وجود نداشته و تنها در قرن پنجم عهد مسیحی در منطقه کابل ظهور کرده است. معاینه اینه بعد از که از شمال صرب هند بدست آمده نشان میدهد که اشخاص مذکور (دو شخص و وارد) کم کم لباس «شمالی» خود را ترک و هندی شده رفته و در آخر کار از لباس عجیب خود بجز يك جبریمی موزه را حفظ نکرده اند. در اینکه هر دو مصاحب صربی آفتاب اصلاً

(۱) کتاب قبل از تصویر ۶۰ و کتاب «حجاریهای متوسطه هندی در برتش موزیم» تالیف (را بر اشاد که سا) چاپ لندن ۱۹۲۶ (۲) کتاب قبل الذکر تالیف نالینی کانتاها تاسالی تصویر ۶۱ به نمونه اشکال شناس که واسطه هیاکل الحاق شده مابعد سنگین شده، عبارت است از بنای هیکل وار «مارتاسا بی راوا» مکتوبه از سکال شمالی که از طرف «کش بیچ چاندرا سرکار» نشر یافته مجله پارناسوس Parapsus جلد پنجم نمره (۶) ۱۹۳۳ صفحه ۲۳- این شکل کیاب رب النوع آفتاب از این رهگذر سارد لچسپ میباشد. (۳) کتاب «تأثیر ادیان شرقی در بت پرستی رومیها» تالیف موسیوف، کیومرچ- چهارم، پاریس ۱۹۲۹ صفحه ۱۲۳- مخصوصاً فصل ششم که مخصوص ایران است. F. Cumont. Les religions musulmanes dans le paganisme romain

در زمانیکه هونتسین (زائر چینی) هندوستان را سیاحت میکرد، (قرن هفتم میلادی)
 امتزاج دو نمونه هیکل تراشی ذیل : - یکی رب النوع آفتاب و دومعاونیکه ، کمان کشیده
 در دست دارد و دیگر رب النوع آفتاب ایرانی و دومعاون ، یکمال خوبی صورت گرفته و رواج
 داشته است . بنای سنگی برجسته مکشوفه از ولایت شمبا (قرن ۸ میلادی) (شکل ح)
 این امتزاج نمونه های هیکل تراشی را شهرت زیادی بخشیده . زیرا که در آن دو مصاحب
 باطراف رب النوع آفتاب که مابس به لباس مروج وقت است ، اضافه شده است . مابندتذکار
 کرد که زقرن دو یا سوم - یعنی مطابق رسم و رواج بابتی سیور یا یارب النوع آفتاب را بلباس شمال
 هند تابش میدادند کتاب « متسیا پورانا » که یک سند معتبری بشمار رفته - در آن اشاراتی
 بسوی سلاله « آندرا » ها (۱) بعمل آمده تشریحاتی خوبی را است به خصوص صیات
 « شیلی » البسه سور یا یارب النوع آفتاب در بر دارد . این سرایت نمونه ایرانی در نمونه
 هندی خیلی به کندی صورت گرفته است . تنها بوسیله تحقیق تنقیدی مقایسات کتب
 قدیمه مثل (ا - و بی دا گاما) و (پساوی سیا - پورانا) و (متسیا پورانا) میتوان
 درجات و دوره های سرایت تاثیرات بیگانه را در نمونه قدیم هندی - کشف کرد . تحقیقاتی
 که از رهگذر هیکل شناسی و تصویرشناسی در اینجا بعمل آوردهیم فقط یک پهلوی مسئله
 را نشان میدهد : برای کشف اطراف مسئله کتب قدیمه را باید مورد مزایه قرار داد .



تحقیقاتی را که نسبت به نای سنگی هیکل دار کوتل خیرخانه نمودیم -
 در آن وقت بسامه معتقدین را بطرف شهر ملتان (۲) جلب میکرد ، تذکار نموده است .

(۱) کتاب « تاریخ ادبیات هندوستان » تألیف و فترتتر - ۱ صفحه ۵۶۷ که قبلاً ذکر شد .
 و نیز ملاحظه شود مقاله « تاریخ سمرتی پیترس متسیا پورانا » متعلق « رساله موسسه تحقیقات شرقی
 بیهارکر » . جلد ۱۲ (۱۹۳۵ - ۱۹۳۶) صفحه ۲۶ - ۲۸ .

Rajandra Candra Harza, The dates of the Smrti, chapters of
 the Matsya Purana, A nual of the Bhandarkar Oriental Reaserch
 institute

(۲) کتاب فوق الذکر ۲ - صفحه ۲۷۱ .

آثار عقیده کوتل خیرخانه (۳۷)

بدون يك تفهيش علیحده راجع به تاریخ مها آمیز همراهان دو گانه رب النوع آفتاب ختم کرده نمیتوانیم . گفتیم نمایش این اشخاص در اطراف رب النوع آفتاب ارهنگاملاً بیگانه است (۱) همراهان من بود در انبیه قدیم (پده گایا - ماتهورا) دیده نمیشوند بنای مرمری خیرخانه آنها را ملبس بالبس۶ قرن ۶ عیسوی مروج وسط آسیا بوضعیت خمیدگی مخصوصی نشان میدهد . این همراهان که در مرکز شمال هند (بهوما را قرن ششم مسیحی) و شمال شرق هند (فرنگی نازار ، سونه رنگ ، را جیر - قرن ۱۱ میلادی) با سیور یا (رب النوع آفتاب) یکجا شده . متدرجاً لباس شمالی خود را ترك و بدن شان راست شد . آلودت با همراهان متعدد یکه مطابق قواعد تصویر شناسی براهمانی باید نزدیک سیور یا نشان داده شود . نزدیکی هم رسانیدند . این وضعیت خمیده ظاهر آریایی از قواعد ثقه هیکل ساری که در قرن پنجم میلادی در منطقه کابلی هنوز هم معتبر شناخته میشد . مطابقت دارد . این قاعده در بهومارا (قرن ۶ میلادی) ترك شده و بالاخره در قرون وسطی در نواحی شمال شرق هند بکلی از بین رفته است پس از اینقرار برای جستجوی منشأ همراهان دو گانه رب النوع آفتاب در هند چیزی نمیتوان بدست آورد بلکه باید دوباره در پای خود با یعنی در کوتل خیرخانه مرا جمع کرده ، از آنها تحقیقات خود را با تصمیم قطعی بطرف ضرب پیش برم . چنان معلوم میشود که پنگالا و دندا که بد و طرف رب النوع آفتاب کوتل خیرخانه قرار داده شده به آن دسته

(۱) موسوزوو دو روی مصاحبه محسنة آفتاب بهومارا را دو « اروین » (یعنی برادان دو گانه) اعلام کنند (صحیح) میدانند . این عقیده قابل اعتبار نمیشود زیرا که مستند به هیچ کتاب و سند نیست . عقیده من بود را شخص فوق الذکر در رساله سوم « رساله انجمن فرانسیسی دوستان شرق » شماره ۱۶ - اپریل ۱۹۳۱ شماره ۳۹ - ۲۱ است عنوان « سینه بهومارا » نشر کرده است .

فرشتگان و رادران مقدسی که ادیان قدیم شرقی گاهی به حدای متعال (۱) و گاهی به آفتاب و ماهتاب مربوط میکردند - بی نستی نباشد . پدش از آنکه به تفصیلات این مسئله پیردازیم نابد باد دهانی تائیدیم که پنگالا یعنی همان کاتیکه مامور نوشتن اعمال خون و بد اسبابها (۲) میباشد . بواسطه ریش انبوه و رنگ تیره پوست خود از رفیقتش دنیا تشجیص داده می شود . این دو خصوصیت باید بخاطر گرفته شود .

کتابی که سازگی از طرف موسیو فرنان شاپوتیه (۳) نشر شده . چنان بکافی را در برد . که از روی آن نزدیکی های دلچسپی را میتوان درك کرد . مخصوصاً يك بحث است که راجع به مصاحبین رب السوع آفتاب مقام ایدس (بین النهرین) است ، بنظر ما بسیار مهم و قابل استفاده معلوم میشود . موسیو شاپوتیه مینویسد : ما میدانیم که مردمان ایدس که از رهگذر دین خود ، آفتاب را اهمیت زیادی می دادند بدو طرف آفتاب داری روس ، و موسیوس ، را قرار می دادند که اول الذکر بطور قطع در شرق تاتار مسیح و در عین حال همین اری روس يك رب السوع قوم پالمیر ، بود .

تالیف در ۱۹ صفحه ۲۷۹ - ۲۸۲ .

(۲) کتاب دیگر تالیف سی حدر های بودائی و راهمانی مورد حاقه دکه ، تالیف تالیفی که در سال ۱۹۲۵ و سپا یورا اقلالد کر

H. Seyrig: Antiquités syrienne, Piece d'édifice de l'Église grecque et aux frères saints Syria.

(۳) در کتاب « اسقفیه تریپلی اسکندریه » خدمت يك مصری مونت کتابخانه های مدارس فرانسه ، کتابخانه « تریپلی شایسته و حریره ۱۳۷ پاریس ۱۹۳۵ صفحه ۲۷۷ - ۲۷۸ .

Fernand Chapoutier: Les Dioscures de Palmyre, Paris, 1925, bibliothèque des écoles françaises d'Athènes.

در کتاب « پوراه » (فصل ۱۲۴) نامبرده (یعنی پنگالا صریحاً) بنام اکی ... که خوبی و بدی مردم را می نویسد و باسم « پنگالا » بسبب اینکه ... کرده است .